

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۵۲، پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۹۳ (۲۳ اکتبر ۲۰۱۴)

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- * ملاله یوسف زای و یک وکیل مدافع هندی برنده جایزه صلح نوبل شدند...ص ۲
- * چوب تر خامنه ای و آتش خشم و نفرت همگانی - مهدی سامع...ص ۲
- * رابطه انکار وجود روزنامه نگاران زندانی با دیدار با کامرون - منصور امان...ص ۴
- * تغییر قانون کار، افزایش ناامنی شغل - زینت میرهاشمی...ص ۷
- * وظایف سوسیالیستها - تجربه رفراندوم اسکاتلند - لیلا جدیدی...ص ۹
- * کنفرانس اقتصادی لندن، بررسی بازار ایران یا تجدید بلوک بندی - جعفر پویه...ص ۱۴
- * بازگشت "فاشیسم" در دوران سرمایه داری معاصر - سمیر امین - برگردان: آناهیتا اردوان...ص ۱۷
- * چالشهای معلمان در مهر ماه - فرنگیس بایقره...ص ۱۹
- * اخبار کارورزان پرستاری و سلامت - امید برهانی...ص ۲۳
- * حرکتهای اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مهر ۱۳۹۳ - زینت میرهاشمی...ص ۲۷
- * زنان در مسیر رهایی - آناهیتا اردوان...ص ۳۲
- * رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی...ص ۳۶
- * گذری کوتاه در چند و چون سورآلیسم - م. وحیدی...ص ۴۱
- * کنفرانس در پاریس به مناسبت صدور منع تعقیب علیه مقاومت ایران در فرانسه...ص ۴۲
- * فراسوی خبرها...ص ۴۴
- * شهادی فدایی در آبان ماه...ص ۴۶
- * انتشارات تصویری...ص ۴۷

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

ملاله یوسف زای و یک وکیل مدافع هندی برنده جایزه صلح نوبل شدند



آکادمی نوبل در نروژ، جایزه صلح سال ۲۰۱۴ را به طور مشترک به ملاله یوسف زای، دختر نوجوان پاکستانی و کیلاش ساتیارتی، وکیل مدافع هندی اهدا کرد.

آکادمی نوبل اعلام کرد که این جایزه را به خاطر فعالیت این دو فعال دفاع از حقوق کودکان به آنها داده است.

ملاله یوسف زای که اکنون ۱۷ سال

دارد، دو سال پیش به خاطر تلاش در زمینه دفاع از حق تحصیل دختران مورد حمله طالبان در پاکستان قرار گرفت. وی اکنون ساکن انگلستان است. هموطنان ملاله در دره سوات پاکستان، جایی که طالبان به سر او شلیک کرده بود، از برنده شدن ملاله خوشحال و به اشکال مختلف شادمانی خود را نشان دادند.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

چوب تر خامنه ای و آتش خشم و نفرت همگانی

مهدی سامع

چوب تر خامنه ای در دستان اراذل و اوباش او که با نام مستعار «افراد خودسّر» اقدام به جنایت می کنند، این بار صورت تعدادی از زنان را به آتش کشید. بر اساس اخبار منتشر شده تا کنون بیش از ۲۰ زن از شهرهای اصفهان، شیراز، تبریز، کرمانشاه و تهران قربانی اسیدپاشی شده که ۱۵ تن از آنان از شهر اصفهان بوده و یکی از این زنان در اصفهان جان باخته است. برای اکثریت مردم ایران و به ویژه قربانیان جنایتهای بی شمار رژیم ولایت فقیه در ۳۵ سال گذشته جای تردیدی وجود ندارد که این اعمال ننگین و وحشیانه به طور مستقیم از جانب راس حکومت و در این شرایط از بیت سید علی خامنه ای هدایت می شود. گرچه دستگاههای امنیتی ولایت خامنه ای به همراه برخی افراد فرومایه تلاش می کنند تا این گونه رفتار ضد انسانی را به افراد خودسّر و ناشناخته مربوط کنند، اما چه کسی نمی داند که اگر این جنایت به فرد یا افراد خودسّر مربوط می شد، نهادهای ریز و درشت امنیتی رژیم می توانستند در همان ابتدا نه با سه سوت که با یک سوت بساط این افراد به اصطلاح خودسّر را جمع کنند. این واقفیت به اضافه دم خروسی که از جیب مَلاها آگاهانه به همگان نشان داده می شود، تردیدی باقی نمی گذارد که این جنایتها سازمانیافته و با هدف مشخص و از طریق بیت ولی فقیه هدایت می شود. یادآوری سخنان آخوند تبهکار، سید یوسف طباطبایی نژاد، در مقام امام جمعه اصفهان و نماینده مجلس خبرگان که در آذر سال ۱۳۹۰ گفت «مساله حجاب دیگر از حد تذکر گذشته است و برای مقابله با بدحجابی باید چوب تر را بالا برد و از نیروی قهریه استفاده کرد»، به اضافه هزاران اظهار نظر گماشتگان ولی فقیه در مورد حجاب، همراه با طرح قانونی مجلس ارتجاع در مورد «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» که در حقیقت بیان قانونی اقدامات جنایتکارانه تانکونی باندهای وابسته به بیت خامنه ای است، آدرس مکان ساخت و توزیع چوبهای تر را مشخص می کند.



در حالی که ارگانهای امنیتی و انتظامی ولایت خامنه ای با عاملان جنایت اسید پاشی مثل یک معادله ده مجهولی برخورد می کنند، همین نهادهای سرکوبی با بگیر و ببند جولان قدر قدرتی می دهند و براساس شیوه ولی فقیه ای دشمن خارجی را به میان می آورند.

روز ۲۷ مهر پاسدار سردار غلامرضا سلیمانی، سرکرده سپاه صاحب الزمان در استان اصفهان از «کشف و انهدام گروه سازمانیافته ضد اخلاقی در شبکه های مجازی» در اصفهان خبر داد و اعلام کرد که «این افراد که با سرویسهای جاسوسی هم در ارتباط بودند، توسط عناصر اطلاعات سپاه

اصفهان دستگیر شدند و به اعمال مجرمانه خود اعتراف کردند.» (سایت خودنویس)

عصر روز چهارشنبه ۳۰ مهر، پاسدار حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور گفت: «با توجه به مجموع بررسیهای فنی و اطلاعاتی انجام شده تا این لحظه به طور قطع اعلام می کنیم که این اقدامات سازمانیافته و کار گروهی نبوده است و تحقیقات نشان می دهد که این اسیدپاشیها توسط یک نفر انجام شده است.» (مهر)

همین پاسدار سرکوبگر، در مورد حرکت اعتراضی مردم اصفهان با زبان تهدید و به سیاق همه ماموران سرکوبی گفت: «عده معدودی که بنا داشتند تجمع را به سمت و سوی دیگری هدایت کنند شناسایی شده اند و به آنها تذکرات لازم داده می شود که اقدامات آنها دور از چشم نیروهای امنیتی و قضایی نیست.» (همان جا)

بر اساس همین خط و نشان کشیدن پاسدار ذوالفقاری معلوم می شود که هدف از سفر وی به اصفهان نه کشف ابعاد جنایت، که دادن «تذکرات لازم» [بخوانید تهدید به دستگیری] به قربانیان و معترضان بوده است.

در مورد چرایی حساس شدن امنیتیهای ولایت خامنه ای به تظاهرات روز چهارشنبه در اصفهان و تهران، باید فیلمهایی که تاکنون از این واکنش گسترده منتشر شده را دید و به شعارهای مردم توجه کرد.

«اسیدپاشی جنایت، قانونگذار حمایت»، «تنگ ماست، تنگ ماست مجلس شورای ما»، «امر به معروف با اسید نمی خواهیم»، «وزیر اطلاعات، خجالت خجالت»، «نیروی انتظامی: خجالت خجالت»، «نیروی انتظامی چشم خواهرم کو؟»، «مرگ بر داعشیهای ایران»، «امنیت آزادی حق مسلم ماست»، «ای کمتر از داعشی، اسید به ما می پاشی»، «اسید پاش مزدور ۵، امنیت از ما دور ۵»، «زاینده رود خشک شده، اسید پاشی مد شده»، «ای خواهر قربانی در قلب ما میمانی»، «با حجاب بی حجاب، اسیدپاشی نمی خواهیم»، «صدا سیما بی غیرت، حمایت حمایت»، «دادستان حیا کن، صندلی تو رها کن»، «حجاب به زور نمی شه، ایران عراق نمی شه»، «این سکوت، حمایت از داعش است»، «سهیلای بی گناه، حمایت می کنیم» و.....

در این شعارها مردم تنفر و انزجار خود را از مجلس ارتجاع و قانون جدید آن، وزیر اطلاعات، دادستان رژیم (اژه ای)، نیروی انتظامی و داعش که اشاره در لفافه به خامنه ای است، بیان می کنند. برای ولایت خامنه ای همین شعارها ایجاد وحشت می کند و برای همین فضای جامعه را هرچه بیشتر امنیتی می کنند. به گمان من اسید پاشی هم تدبیری برای بستن فضای جامعه و مهار خشم و نفرت مردم از رژیم است.

رابطه انکار وجود روزنامه نگاران زندانی با دیدار با کامرون

منصور امان

اگر چه سفر سال جاری حُجّت الاسلام روحانی به نیویورک توجّهات کمتری را نسبت به سال گذشته برانگیخت، با این حال یک زاویه مُهم از جهتگیری سیاسی او را آشکار کرد. رییس "دولت اعتدال" هر چه بیشتر به گروگان سیاست میانه بازانه خود تبدیل می شود. میان دیدار با نخُست وزیر انگلیس، آقای کامرون، و انکار وجود روزنامه نگاران زندانی رابطه مُستقیمی وجود دارد که فقط یک نزدیک بین سیاسی می تواند آن را به سود آقای روحانی ارزیابی کند و آنگونه که به نظر می رسد، دولت جناح میانه تا آخرین صندلی از این رسته پُر شده است.

مُعامله با ابلیس

این نُکته پنهانی نیست که آقای روحانی وظیفه اصلی خود را کاهش یا برطرف کردن تحریمهای فلج کننده بین المللی می داند. به بیان روشن تر، جناح میانه حُکومت حل و فصل این بُحران را پُلی قرار داده است که می بایست آن را به مرکز قُدرت بازگرداند. از سوی دیگر نیز آقای خامنه ای در باند رقیب، مُحللی برای دوران گذار از تحریمها و تنش خارجی می بیند.

راه حلی که آقای روحانی و دوستان برای حفظ امکان تحرُک در زمین بازی خود اندیشیده اند، بسیار ساده و مکانیکی است. آنها از بازی در آنچه که زمین حریف می پندارند، یعنی میدان سیاست داخلی خودداری می کنند و کوشش دارند در این حوزه نُقاط اصطکاک جدی با آن پیدا نکنند. در این چارچوب، وعده انتخاباتی حُجّت الاسلام روحانی مبنی بر "گشایش فضا" نمی تواند از سطح وعده فراتر برود. بدین سبب شگفت آور نیست که فعالیت عُمده او و دولتتش در این زمینه، بر جُستجوی راه هایی برای گریز از پاسُخگویی به مُطالبات بدنه اجتماعی "اصلاح طلبان" و سرگرم کردن آنها تمرکز یافته است.

همچون "فاوست"، قهرمان داستانی به همین نام از گوته، جناح میانه نیز با ابلیس وارد مُعامله شده تا در ازای واگذاری روح خود به وی، لحظه ای جاودانی - و در اینجا شراکت در قُدرت - را تجربه کند. فاوست روح خود را از دست داد و به بازیچه ابلیس تبدیل شد بدون آنکه به آرزویش دست یافته باشد. جناح میانه حُکومت و دولت آن نیز گام به گام در جاده همین سرنوشت به پیش می روند.

شواهد این داد و ستد و به بیانی، تقسیم حوزه عمل را می توان در تحرُک "دولت اعتدال" در سیاست خارجی و در مُقابل، انفعال آن در داخل به چشم دید. اغلب برای توجیه همراهی خاموش دولت با سرکوب سیاسی و مدنی، به ناکافی بودن اختیارات آن و قرار گرفتن بیشتر پهنه های حُقوق مدنی و شهروندی در خارج از قلمرو قانونی قُدرت رییس قُوه مُجریه و دولت وی اشاره می شود.

گذشته از آنکه مرزهای موجود در این پهنه به گونه خودمدارانه توسط باند حاکم برای حراست از قُدرت خویش و حذف مُخالفان و مُنتقدان ترسیم شده و از این رو اعتبار روکش "قانونی" آن نیز بسیار محدود است، در همین حال آقای روحانی نشان داده زمانی که موضوع به منافع و اهداف مُقدم جناح میانه برمی گردد، به خوبی از خُطوط قرمز گذر می کند و گامهایش را با عددی که ترازوی اختیارات نشان می دهد، تنظیم نمی کند.

گُفت و گوی تلفنی با آقای اوباما یک شاهد بی مثال از نادیده گرفتن مرزهای کشیده شده توسط باند حاکم و ورود به قلمرو اختیاراتی است که برای خود قایل است. آیت الله خامنه ای، در حالی که برآشفتگی خود را از این خودسری به گونه علنی ابراز می کرد، ابتکار سیاسی آقای روحانی را "نابجا" نامید، اما هُشدار و گوشمالی وی مانع نشد که حُجّت الاسلام روحانی و دوستان صندلیهای "آقا" و همدستانش در کنار میز مذاکره با آمریکا را اشغال نکنند و برای امتیاز سیاسی پالوده خوری با واشنگتن یک حساب جُداگانه به نام خود نگشایند. در این میان، دیدار و مذاکره پایوران ارشد آمریکا و جمهوری اسلامی که تا یکسال پیش رویدادی استثنایی به حساب می آمد، به یک رفت و آمد روتین تبدیل شده است.

دیدار آقای روحانی با آقای کامرون، چالش دیگری بود که جناح میانه، باند رقیب را در برابر آن قرار داد. پاسدار اسماعیل کوثری، یک سرکرده لباس شخصی پوش سپاه پاسداران، این ملاقات را "خودسرانه" نامید و به این وسیله نارضایتی باند ولایت را از دور زده شدن آشکار کرد.

به سبک احمدی نژاد

با وجود عهد شکنی روشن باند ولایت در حوزه "نرمش قهرمانانه" و اعمال فشار دائمی از طریق "دلوپسان" برای در دست نگه داشتن مهار تحولات در سیاست خارجی، آقای روحانی با احتیاطی گرنش آمیز و وسواس بسیار قواعد بازی را رعایت می کند. سخنان او در مصاحبه تلویزیونی با CNN در باره روزنامه نگاران زندانی را در این چارچوب باید ارزیابی کرد. حُجت الاسلام روحانی گفت: "من واقعا این مساله را در کل باور ندارم. من باور ندارم که فردی به خاطر روزنامه نگار بودن بازداشت شده یا به زندان افتاده باشد. یک فرد می تواند خبرنگار، روزنامه نگار باشد و مرتکب جرم شده باشد. اما جرم لزوما نباید همیشه به شغل آنها، شغلی که مشغول به کار در آن هستند، ارتباط داشته باشد." (۱)

دروغگویی شگفت آور آقای روحانی که دولت خود را "دولت راستگویان" معرفی می کند، یک لغزش تصادفی نیست. او آگاهانه و برای برقراری توازن بین دیدار با نخست وزیر انگلیس و مفاد مذاکرات با وی با نگرانیهای امنیتی رقبایش، خود را در این پهنه در کنار آنها جای می دهد. آقای روحانی به وسیله این دُرُوغ و نیز مشروط ساختن رعایت حقوق بشر به "چارچوبهای فرهنگی هر کشور"، به آقای خامنه ای و همدستانش اطمینان می دهد که با هر نوع تحرک در سیاست خارجی، او حیطة قدرت آنها را به رسمیت می شناسد و فراتر از آن، برای تامین رضایت شان حتی حاضر است از این منافع به سبک پادوی ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری، آقای احمدی نژاد، دفاع کند.

او بین قانع کردن کسانی که به آنها وعده "آزادی روزنامه نگاران و زندانیان سیاسی" را داده و قدرت حقیقی که مانورهای خارجی اش را فقط به اتکای آن می تواند پیش ببرد، دُومی را انتخاب کرده است. پایه این انتخاب را ناتوانی جناح میانه حکومت از تحلیل عینی تاثیر رفتار ریاکارانه اش با حقوق شهروندی بر بدنه اجتماعی خویش و واکنش آن به این کُنش تشکیل می دهد. آنها از پشت عینک "دُوم خرداد" به این بخش می نگرند و انتظار دارند همچون دوران "اصلاحات" حُجت الاسلام خاتمی، طیفهای نزدیک به دولت را به عنوان سیاهی لشکر به خدمت بگیرند.

سیاهی لشکر هالو، لابی تقلبی

مناسب ترین زمان برای وداع با این پندار هنگامی بود که موج بازتاب منفی دروغگویی حُجت الاسلام روحانی، لایه های نزدیک به "دولت اعتدال" را در بر گرفت و اعتراض آنان را نیز برانگیخت. رییس دولت که تا چند هفته بعد از چشم بندی در CNN در این باره سکوت کرده بود، در این هنگام به تدریج زیان سیاسی رویکرد خویش و نمایش آشکار همسویی با "اقتدارگرایان" و "افراطیون" را در می یافت. او بر پایه این درک دیر هنگام، معاون ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر خود را به منظور محدود نگه داشتن دامنه خسارت به پیش فرستاد. در همین حال روشن بود که تصحیح آقای روحانی نمی توانست از سطح ماله کشی فراتر رود، چون تُخم مُرغهای او در سبد دیگری جُز حقوق شهروندی و "آشتی ملی" قرار داشتند. گسیل یک چُماقدار مشهور رسانه ای، آقای پرویز اسماعیلی، برای "توضیح" رُسوایی نیویورک می توانست جنس و جهت آن را از پیش علامت دهد. کارمند آقای روحانی در این راستا نخست متنی دستکاری شده را به عنوان سخنان وی ارائه داد، سپس به طور ناشیانه ای به شُعبده بازی با کلمات بیان شده پرداخت و در انتها "توضیح" خود را با هُشدار به مُنتقدان برای "ابزار نشدن علیه رییس جمهور" به پایان برد.

تصحیح دُرُوغ با افزودن چند دُرُوغ تازه بدان البته شیوه بی پیشینه ای نزد دولتمردان جمهوری اسلامی نیست. آقای احمدی نژاد، سلف حُجت الاسلام روحانی، در این فن یک میراث غنی و آماس کرده برای وی به جا گذاشته است. با این وجود، برخورد خبرساز پیشین و معاون فعلی دربرگیرنده یک نُکته توجُّه پذیر هم هست و به خوبی نشان می دهد که

درک آقای روحانی و دوستان از جامعه و به ویژه طیف حامی خود همچنان در مدار سردار زیرک و سیاهی لشکر هالو به گردش در می آید.

جناح میانه حکومت در حالی که به شدت به این وزنه برای نگه داشتن تعادل خود نیاز دارد، همزمان مایل است حمایت آن را نه از طریق پاسُخ به مُطالباتش، بلکه به وسیله گُلاهداری، وعده توخالی و دست بسر کردن به دست بیاورد. از آنجا که در عالم واقع، جایی که خیزشهای ۸۸ و ۸۹ را تجربه کرده، چنین رابطه یکجانبه و خسارت باری سر نمی گیرد یا دیر نمی پاید، بنابراین "دولت تدبیر و امید" خود به جعل پایگاه اجتماعی دست می زند.

"کمپین سینماگران" با محور دعوت از مخاطبان خارجی به پُشتیبانی از توافق هسته ای به هر شکل و با هر مضمون، نمونه ای از بروز این استعداد است. تنها اندک زمانی پس از راه افتادن ماشین تبلیغات برای این "کمپین"، فاش گردید که برخلاف نقش و نگار و امضاهای آن که وانمود می ساخت ابتکاری "خودجوش" از جانب چند کارگردان سینما می باشد، در حقیقت وزارت خارجه، سناریو نویس، کارگردان و مجری "کمپین" است و نقش افراد امضا کننده به هنرپیشگی محدود می شود.

آقای روحانی و دوستان پس از ناکامی سال گذشته در به راه انداختن یک "کمپین" فرمایشی دیگر زیر نام "کمپین مدنی علیه تحریم"، اکنون دوباره بخت خویش را در تراشیدن یک لایه اجتماعی پُشتیبان برای تحت تاثیر قرار دادن طرفهای خارجی شان به آزمایش می گذاشتند. دستیازی به چنین روشهایی برای نمایش پُشتیبانی مردمی، خود گواه آن است که مذاکرات هسته ای آنها از فراز سر جامعه صورت می گیرد و طبقات و اقشار گوناگون از آنجا که نه در شکل "گشایش فضا" و نه به صورت کاهش فشار اقتصادی و معیشتی سهمی از "نرمش قهرمانانه" و "دیپلماسی لبخند" نمی برند، بنابراین دلیلی نیز برای حمایت فعال از آن نمی یابند.

برآمد

ناکامی حُجت الاسلام حسن روحانی در عمل به وعده هایش، اینک به گونه ناگزیر و به تدریج به رویکرد در جهت عکس آنها فرا می روید. مسیری که او از وعده "آزادی روزنامه نگاران زندانی" تا انکار زندانی بودن روزنامه نگاران پیموده، با تلاش دایمی برای جلب رضایت باند ولایت و نگه داشتن چراغ خطر روی رنگ سبز برای ادامه نشست و برخاست خارجی سنگفرش شده است.

"دولت اعتدال" در این پروسه نه فقط به شتاب در حال از دست دادن پُشتیبانی مشروط بدنه اجتماعی "اصلاح طلب" است، بلکه خود را در مُستعد ترین نقطه دگردیسی به "تدارُکچی" شدن قرار داده است. چه، بدون تضعیف اقتدار مُلوکانه ولی فقیه در داخل، "نرمش قهرمانانه" خارجی اگر دستاوردی داشته باشد، یکسره به جیب آن که نیروی غالب و تعیین کننده است، سرازیر می شود و اگر به نتیجه نرسد، گردن نیروی ضعیف تر است که زیر گیوتین مسوولیت قرار می گیرد. با جمع دو فاکتور ناتوانی در کسب پُشتیبانی اجتماعی و نیز بازی با قواعد آقای خامنه ای و همدستان، به نظر می رسد که روزنه نجات جناح میانه از خفگی سیاسی و پُل بازگشت آن به بارگاه قُدرت، هر چه بیشتر به گذرگاهی روی لبه تیغ تغییر ماهیت می دهد. بدیهی ست که روی این باریکه که تا اعماق می خلد، حفظ تعادل با هر کس و با هر دُروغی، فقط مساله ای ثانوی است.

<http://amanpour.blogs.cnn.com/2014/09/26/full-transcript-hassan-rouhani/1->

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

تغییر قانون کار، افزایش ناامنی شغل

زینت میرهاشمی

تغییر قانون کار یا به قول پایوران رژیم اصلاح قانون کار، از دوران دولت خاتمی و پس از او محمود احمدی نژاد تا جانشین او حسن روحانی همچنان مطرح است. هر کدام از این دولتها در توجیه دستکاری قانون فعلی کار، هدف خود را تامین امنیت برای سرمایه و رشد تولید اعلام کرده اند. در خلال دو دهه گذشته بسیاری از کارگران از شمول قانون کار حذف شده و قانون فعلی کار شامل بخش کوچکی از کارگران می شود. با این وجود به بهانه رشد تولید، دولت روحانی درصدد است تا بی حقوقی کارگران و مزدبگیران را با تغییر قانون کار، قانونی کند. پوشیده نیست که در بطن این تغییر و تحول امنیت رژیم مساله اصلی است. حفظ خیمه نظام، نقطه محوری فعالیت همه به کرسی نشستگان در دربار خامنه ای است. یکی از نقطه های اختلاف در میان کارگزاران دیکتاتورها این است که با استفاده از چه ابزار و روشی، امنیت رژیم را حفظ کنند. بر همین منظر دولت حسن روحانی ماهرانه قانون کار را با اصلاحات مورد نظر بزرگ کرده و حقوق کارگران را به نفع امنیت سرمایه به عنوان پشتوانه امنیت دم و دستگاه رژیم تضعیف می کند. اگر چه طرح احمدی نژاد در رابطه با تغییر قانون کار به دلیل مخالفت های گسترده سرانجامی پیدا نکرد، اما تاثیرات زیانبار خود را بر وضعیت امنیت و معاش نیروی کار بر جای گذاشت.

یکی از سیاست های ضد انسانی دیکتاتوری ولی فقیه، تهاجم به دستاوردهای همه اقشار و طبقات است. عملکردی که از ابتدای سرنگونی حکومت پهلوی تا کنون عملی شده و جامعه را به عقب برده است. این سیاست با تهاجم به حقوق زنان، کارگران و مزدبگیران تلاش می کند که از یک سو مانع رشد جنبشهای اجتماعی شود و از سویی دیگر جنبشهای پراکنده را همواره در حالت دفاعی قرار دهد. کنش و واکنشهای ناشی از این نوع عملکرد ارتجاعی، در جا زدن، مبارزه برای حفظ وضعیت کنونی، عدم ریسک پذیری، اعتراض برای دریافت حقوقهای عقب افتاده است. تاثیر این فرهنگ استبدادی در خروجی مبارزه نیروی کار، نه اندیشیدن به افقی روشن و تلاش برای بهبود بلکه حفظ شرایط روز و از آن بدتر کند کردن آهنگ عقب نشینی است.

چگونه اجرایی شدن طرح دولت حسن روحانی بستگی به تعادل قوای بین جبهه نیروی کار و دولت به عنوان کلان سرمایه دار و متحدان آن در جبهه سرمایه پیدا می کند. این تعادل تنها با پیکار ممتد، سازمانیافته و همبستگی می تواند به نفع امنیت نیروی کار و تولید پیش رود. به هر میزانی که طبقه کارگران و مزدبگیران دیوار دایره دفاعی خارج شوند می توانند تعادل را به سود خود تغییر دهند.

بسته پیشنهادی دولت روحانی چیست؟

در روزهای اخیر موضوع ارائه «بسته پیشنهادی دولت برای تغییر قانون کار» در رسانه های وابسته به حکومت مطرح شده است. برخی از این رسانه ها، بندهایی از «بسته پیشنهادی» را به صورت بریده بریده منتشر کرده که حتا از طرف برخی از اعضای تشکلهای وابسته، مانند شورای اسلامی کار مورد مخالفت قرار گرفته است.

بر اساس گزارش ایلنا دوشنبه ۸ مهر، بسته پیشنهادی با عنوان «طرح تامین امنیت شغلی کارگران» و «تامین امنیت سرمایه گذاری کار آفرینان» به امضای اعضای «شورای مشاوره سه جانبه ملی» رسیده است. باید این نکته را هم در نظر داشت که قانون کار فعلی در موارد بسیار و منجمله در عدم رسمیت شناختن اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری به سود نیروهای کار نیست.

طبیعی است که این طرح همانند طرحهای دیگر و مانند تعیین حداقل دستمزد سالانه بدون مشارکت نمایندگان منتخب کارگران و مزدبگیران تدوین، مطرح و تصویب می شود. اعضای تشکلهای کارگری زرد، منتخب دولت در شورای به اصطلاح سه جانبه بوده و در خدمت صاحبان جبهه سرمایه، برای امنیت رژیم تلاش می کنند و در حاشیه و حداکثر برای حفظ وضع موجود نقش بازی می کنند.

در مواد منتشر شده از طرح تغییرات، دو نکته برجسته است. اولی در مورد چگونگی فسخ قرارداد کار و دومی در مورد شکل قرارداد کار است. بسته پیشنهادی هنوز به صورت کامل تا لحظه نوشتن این مطلب انتشار بیرونی پیدا نکرده است. مورد اول فسخ قرارداد کار است که اختیار آن به کارفرما سپرده خواهد شد. در شرایط فعلی، کارفرما برای پایان دادن به قرارداد کاری باید رضایت هیات حل اختلاف و یا شورای اسلامی کار را جلب کند. تا کنون نمونه هایی از اخراج کارگران، در پی اعتراضهای کارگری، وجود داشته که کارگران توانستند با شکایت و جلب نظر هیات حل اختلاف به سر کار برگردند. در صورت تصویب این ماده از طرح تغییرات، این امکان از کارگران سلب خواهد شد.



در اصلاحیه پیشنهادی، تبصره ماده ۱۶۵ چنین است: «در صورتی که کارفرما تمایل به بازگشت به کار کارگر نداشته باشد، می تواند با پرداخت خسارت اخراج معادل ۴۵ روز به ازای هر سال سابقه کار کارگر، علاوه بر

حق سنوات مذکور در این ماده اقدام به فسخ قرارداد کار کند.»

این ماده امنیت شغلی تمامی کارگران را مورد هدف قرار داده است. از سویی دیگر تصویب این ماده، سرکوب فعالان کارگری را قانونی می کند. همچنین همه کارگران در مقابل دو راهی قرار می گیرند یا حفظ شغل خود به هر شکلی یا شورش علیه وضع موجود. در این صورت با بیکاری و از دست دادن شغل خود روبرو می شوند. اخراج نمایندگان کارگران بعد از اعتراضهای صنفی تا کنون انجام شده اما بسته پیشنهادی این امر را آسان تر می کند. یک نمونه اخراج ۲۰ کارگر کارخانه کاشی گیلانا در هفته آخر مهر ماه سال جاری است. این کارگران در سی و هفتمین روز اعتصاب این کارخانه به دستور سهامدار اصلی کارخانه از کار اخراج شدند.

کلید روحانی برای حل بحران اقتصادی که از شعارهای تبلیغاتی انتخاباتی اش بود را در تهاجم به قانون کار موجود می توان مشاهده کرد. مواد پیشنهادی دولت روحانی به سرکوب کارگران با حربه اخراج رسمیت خواهد بخشید. در مقابل این تهاجمات به نیروی کار، حرکتهای اعتراضی بسیار گسترده است. اعتصابهای طولانی مدت و حرکتهای اعتراضی مداوم افزایش یافته است. علیرغم گستردگی حرکتهای اعتراضی، به دلیل فقدان تشکلهای مستقل سراسری، هماهنگی و پیوستگی وجود ندارد. رژیم برای تهاجم به حقوق نیروی کار از همین نقطه ضعف استفاده می کند. در صورتی که از بطن جنبشهای پراکنده کارگری، این ضعف برطرف شود، دیوار دفاعی بزرگی در مقابل طرحهای ضد کارگری حکومت له وجود خواهد آمد. برای تحقق این امر باید به جنبش کارگری در مخالفت با تغییرات جدید در قانون کار به هر شکل که مقدور است یاری رساند.

وظایف سوسیالیستها – تجربه رفاندوم اسکاتلند

لیلا جدیدی

در این شماره می‌خوانید:

- ۱- وظایف سوسیالیستها در برهه کنونی چیست؟
- ۲- رفاندوم استقلال اسکاتلند، "غول از چراغ بیرون آمده"

وظایف سوسیالیستها در برهه کنونی چیست؟

جهان ما پرمخاطره و بحرانی است، اما همانطور که مارکس و انگلس، بنیانگذاران سوسیالیسم مدرن علمی پیش‌تر تشریح کرده‌اند، تاریخ هیچ مشکلی را روی دست انسانها نمی‌گذارد که حل ناشدنی باشد. طبیعی است که برای حل هر مشکلی نیاز به ابزار مناسب آن است. بدون شک حل مشکلات سیاسی و اقتصادی جهان ما نیز که مساله اکثریت مردم جهان است، نیاز به برنامه ریزی و سازماندهی دارد. سازماندهی برای یک انقلاب رهایی بخش مراحل و نیازهای ویژه خود را دارد.

در این نوشتار به چهار مرحله که اساسی‌ترین گامها جهت دستیابی بدین هدف است، به طور مختصر پرداخته می‌شود:

۱- هدف و چشم‌انداز روشنی برای آلترناتیو

۲- شناخت و آموزش آلترناتیو

۳- وظایف مبرم یک سازمان انقلابی

۴- عمل

مرحله اول - هدف و چشم‌انداز روشنی برای آلترناتیو

ما اکنون با بحران ساختاری طولانی مدت سرمایه داری مواجه هستیم. نظام سرمایه داری با حاکمیت سرمایه داری مالی نه تنها نتوانسته نیازهای بشری را تامین کند، بلکه در مقیاس وسیعی بر ضد بشریت نیز عمل کرده است. نابسامانیهای اجتماعی، تخریب محیط زیست، جنگ، گرسنگی و فقر، بی‌خانمانی، بیکاری در اثر هر چه عمیق‌تر شدن اختلاف طبقاتی در ۲ دهه گذشته از دستاوردهای نظام سرمایه داری است.

۱۷ اکتبر برابر با ۲۵ مهر، روز جهانی مبارزه با فقر از سوی سازمان ملل متحد اعلام شده است. بنا به تعریف این سازمان، فقر عبارت است از هر نوع محرومیت اقتصادی و فرهنگی که سازگار با استانداردهای مطلوب جهانی نباشد. بر اساس آخرین آمار جهانی ارایه شده از سوی سازمانهای بین‌المللی تخصصی، حدود ۱/۱ میلیارد نفر از جمعیت جهان در فقر کامل به سر می‌برند که ۵۳۰ میلیون نفر از آنها درآمد روزانه شان معادل یک دلار و بقیه روزی دو دلار است. این در شرایطی است که حدود ۸۰۰ میلیون انسان که بخش عمده آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، از حق دسترسی به آموزش محروم و بی‌سواد هستند. برای درک عمیق‌تر میزان بی‌عدالتی در سیستم سرمایه داری، تنها یادآوری اینکه ۸۵ نفر اول در لیست ثروتمندترین افراد جهان، به اندازه دارایی ۳,۵ میلیارد نفر یا نزدیک به نیمی از مردم جهان ثروت دارند، کافیست.

سوسیالیسم، آلترناتیو بی‌بدیل نظام سرمایه داری است. هدف نهایی سوسیالیستها ایجاد یک جامعه کاملاً متفاوت است؛ جامعه‌ای که به جای سود و منافع برای سرمایه داران، بر پایه نیاز افراد جامعه بنا می‌شود. این تنها در صورتی امکان پذیر است که نظم اجتماعی کهنه که حافظ قدرت مستی افراد است که منافع آنها با کار و زحمت اکثریت تامین می‌شود، به کلی از میان برداشته شود. سوسیالیستها برای برچیدن نظامی که در آن نیروی زحمتکششان به مزدی ناچیز به یک طبقه ممتاز فروخته می‌شود، مبارزه می‌کنند. این بدان معنی است که کارگران و زحمتکشان جامعه باید سکان را به دست

گیرند و حداکثر بهره را از نیروی کارشان برای زندگی راحت به دست بیاورند. برای تحقق این امر، تصمیمهای سیاسی و اقتصادی را باید خود آنان بگیرند.

مرحله دوم - شناخت و آموزش آلترناتیو

سوسیالیسم چیست و چرا آلترناتیوی بر بی عدالتی سرمایه داری است؟

سوسیالیسم به عنوان یک هدف اگر چه دور، اما قابل دسترس باید آموخته شود. به طور کلی سوسیالیسم در جهان درست تفهیم نشده است. این یک روال معمول است که مردم هر چه را که با تکرار بشنوند، گمان می کنند حقیقت است. اما واقعیت و حقیقت در بسیاری مواقع در تضاد هستند. سوسیالیستها نشان می دهند که حقیقت با آنچه سرمایه داری به مردم تفهیم می کند، تفاوت دارد.

"سوسیالیسم امروز"، ارگان "حزب سوسیالیست انگلیس و ویلز" در مقاله ای که وظایف این حزب را توضیح می دهد، به تلاشهایی پرداخته است که راستگرایان از زمان فروپاشی سوسیالیسم برای تخریب سوسیالیسم کرده اند. این نشریه می نویسد:

"پس از سقوط دیوار برلین و در اوج احساس پیروزی سرمایه داری، متاسفانه برخی چپها هم به این نظریه تن دادند که برنامه ریزی اقتصادی دیگر نمی تواند جایگزینی برای سرمایه داری در حال حاضر باشد. اقتصاد حبابی اواخر ۱۹۹۰ بازار سرمایه داری را گرم کرد و سرمایه داری توانست بر موج بحران سوار شده و اعلام رشد مداوم و رفاه کند." در ادامه همانجا آمده است: "۱۵ سال پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و "فروپاشی کمونیسم و "پیروزی کاپیتالیسم"، پارلمان اروپا قطعنامه ای در محکومیت "جنایات رژیمهای کمونیستی توتالیتار" به تصویب رساند (گاردین، ۲۶ ژانویه). این قطعنامه از سوی یک نماینده دست راستی سوئدی، "گوران لیندبالد"، پیشنهاد شده بود. وی خواستار تشکیل یک کنفرانس بین المللی پیرامون این امر شده بود. او همچنین خواسته بود کتابهای درسی در سراسر اروپا، کمونیسم را نظامی توتالیتار و همزاد فاشیسم معرفی کنند."

این تهاجم ایدئولوژیک، روش صادقانه ای برای روشن کردن کاراکتر استالینیستی رژیمهای اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی نیست. نمونه ذکر شده در بالا از جمله تلاشهای بی شمار است که از استالینیسم، این معجون عجیب و غریب، برای رد کمونیسم و سوسیالیسم واقعی استفاده شده است.

از این رو، آموزش سوسیالیسم به عنوان آلترناتیو رژیم سرمایه داری باید به طور دایم در دستور کار قرار گیرد. سوسیالیستها باید نشان دهند که رژیم توتالیتار استالینیستی که انقلاب بزرگ مردم را با سرمایه داری دولتی در اقتصاد و روشهای دیکتاتوری در سیاست به نیستی کشاند، تفاوتهای شگرفی با سوسیالیسم واقعی دارد.

سوسیالیستها باید به طور دایم و روشن به توضیح و تشریح اهداف سوسیالیسم بپردازند و وظیفه خود بدانند که سوسیالیسم واقعی را در جنبش کارگری احیا کنند.

مرحله سوم: وظایف مبرم یک سازمان انقلابی

سوسیالیستهای انقلابی همچنان که هدف اصلی یعنی سوسیالیسم را در سر دارند، باید ساز و کاری را بر پا کنند که زحمتکشان را به سوی هدف سوق دهند. آنها باید طبقه کارگر و زحمتکش را از راهها و کانالهایی که به هدف نهایی ختم می شود، عبور دهند.

زمانی که مبارزات توده ای به جنبش عظیمی فرا می روید، نقش سازمان و اهمیت آن بسیار مشخص است. اما زمانی که این اهمیت روشن نیست، یعنی دوران رکود، در واقع سازماندهی نقش مرکزی و حساسی خواهد داشت.

"الیزابت شورتز"، تحلیلگر و مقاله نویس و عضو "سازمان جهانی سوسیالیستی" در این باره می گوید: "سوسیالیستها باید هر مبارزه ای را که به مبارزه طبقه کارگر توان می بخشد و به ایجاد آگاهی بین مردم کمک می کند، پیگیری کنند یا در کمترین حالت به افراد جامعه نزدیک شوند، اما همزمان هیچگاه نباید هدف اصلی که رسیدن به جامعه سوسیالیستی است

را فراموش کنند. اینکه بگوییم همه با از میان برداشتن سرمایه داری موافق نیستند، درست نیست، دستکم زحمتکشان جامعه نباید این طور فکر کنند. از سوی دیگر نباید بگذاریم آنها که می دانند این سیستم باید از میان رود، تصور کنند آلترناتیو دیگری وجود ندارد. بنابراین، مهمترین وظیفه سوسیالیستها ایجاد سازمانی است که به طور خستگی ناپذیر مضرات و ناهنجاریهای سیستم سرمایه داری را توضیح داده و همزمان سوسیالیسم را به عنوان آلترناتیو آن مطرح کند؛ سازمانی که تجربیات و آموزه های گذشته را برای زحمتکشان مرور کند تا آنان به نیروی خویش پی ببرند، تلاش کند دیگران را متقاعد کند و سوالات آنها در مورد سوسیالیسم را پاسخ دهد. این کار را باید در نشریات مان، گردهماییهای مان، بحث و گفتگو با مردمی که روزانه با آنها تماس داریم و شرکت در فعالیتهایی که حول مسایل مختلف وجود دارد، انجام دهیم."

واقعیت این است که زحمتکشان خود به خود به آگاهی سوسیالیستی نمی رسند و گاهی به نتایجی می رسند که به ضرر خودشان تمام می شود. برای نمونه گاهی همین زحمتکشان جامعه بین خودشان بر سر اینکه زن یا مرد با هم برابرند و حقوقی مساوی باید داشته باشند، رفتار با مهاجران، رفتار با افرادی که نقص عضو دارند و غیره به اختلاف می افتند. از این روست که وظیفه یک سازمان انقلابی و سوسیالیست در آموزش سوسیالیسم ضروری می شود. لنین معتقد بود که یک انقلابی سوسیالیست باید تربیون مردم باشد، کسی که قادر باشد به هر حرکت مستبدانه و ستمگرانه واکنش نشان دهد و این فرق نمی کند کجا رخ دهد و علیه چه طبقه ای باشد. الیزابت شورتز در مقاله ای تحت عنوان "مبارزه برای تغییر جهان" می گوید: "سوسیالیستها همیشه علیه نژاد پرستی و امپریالیسم موضع می گیرند. این نه فقط بدین خاطر است که کار درستی است، بلکه به خاطر این است که در غیر این صورت مبارزه زحمتکشان و کارگران تضعیف می شود."

مرحله چهارم: مرحله عمل

طبقه کارگر و زحمتکشان باید در جایگاه سکاندار بنشینند، همانطور که کارل مارکس می گوید: "رهایی طبقه کارگر به دست خود اوست." چه گوارا در سالهای اولیه پس از انقلاب در کوبا پیرامون ساختن سوسیالیسم می گوید: "سوسیالیسم تنها می تواند به دست مردان و زنان کارگر که با یکدیگر پایه های آنها می ریزند ساخته شود. در این پروسه خود آنان نیز صیقل می یابند." تاریخ مبارزات مردم جهان نمونه های بسیاری از اعتراضات و حرکتیهای کوچک دارد که در نهایت به جنبشهای فراگیر تبدیل شده اند. تنها یک نمونه آن در سپتامبر سال جاری بود. ۳۰۰ هزار نفر خیابانهای "منهتن"، نیویورک را در راهپیمایی برای روز محیط زیست اشغال کردند. آنها به کمپانیهای بزرگ و سیاستهای دولت که به از میان بردن کره زمین می انجامد، اعتراض می کردند. سازماندهندگان این تظاهرات توانسته بودند گروههای گوناگون اجتماعی مانند فعالان بومی، دانشجویان، انجمنهای محلی، سوسیالیستها، اتحادیه ها، گروههای همبستگی با فلسطین و غیره را گردهم بیاورند. این تظاهرات بزرگ و چشمگیر در سایه تلاشهای هر روزه، تدریجی و پیوسته سازمان دهندگان و شرکت کنندگان شکل گرفته بود.

مبارزه همیشه روندی رو به رشد و پر قدرت ندارد. در جهان واقعی، مبارزه دارای فراز و نشیب است و کسانی که در آن نقش دارند، گاهی به سختی می توانند یک قیام توده ای را تصور کنند. زمانی تلاشها به اعتراضهای توده ای ختم می شود و گاهی هم هیچ حرکتی نیست و یا حتی عقب گرد است. گاهی در اوج جنبش، به سختی می شود تصور کرد این حرکت خاموش شود و با حتی به عقب رانده شود و گاهی در سکون و خاموشی نمی توان تصور کرد دوباره آتش جنبش بر پا خواهد شد. وظیفه فعالان جنبش و سازمانهای سوسیالیستی این است که مبارزه را همیشه زنده نگه داشته و نگذارند به خاموشی کشیده شود.

"اشلی اسمیت"، یک فعال سوسیالیست و مقاله نویس روزنامه "کارگران سوسیالیست" می گوید: "درحالی که احزاب حکومتی خود را "اصلاح طلب" خطاب می کنند، سوسیالیستها برای انجام اصلاحات واقعی مبارزه می کنند. در هر مبارزه

ای که زندگی کارگران را بهتر می کند، برای دستمزد بیشتر، شرایط کاری بهتر، برای برقراری عدالت و علیه نابودی امنیت اجتماعی، سوسیالیستها باید با وسیع ترین امکانات خود در آن شرکت کنند و نقش داشته باشند."

در هر مبارزه ای کوچک یا بزرگ سوسیالیستها باید بدنبال یک حلقه دیگر برای پیوند به حلقه های دیگر باشند. آنها نباید کنار بایستند و به قضاوت در اینکه این حرکت‌های مردمی چقدر رادیکال هستند یا نیستند بنشینند، بلکه باید در کنار آنها باشند و آنرا به گام‌های بعدی بکشانند. پیروزی در دستیابی به یک مطالبه، زحمتکشان را تشنه پیروزیهای بعدی می کند. سوسیالیستها باید برای هر آنچه که زندگی زحمتکشان را بهتر می کند، مبارزه کنند. اما آنچه که اهمیت دارد این است که کسانی که در این مبارزات نقش دارند، باید دوستان و دشمنان خود را بشناسند. آنها باید در جریان مبارزات شان یاد بگیرند که رهایی قطعی در نابودی سیستم ستمگر و تصاحب قدرت است.

الیزابت شولتز در مقاله ای که در بالا ذکر شد، به کارگران و زحمتکشان یادآوری می کند: "سرمایه داران همواره به ما می گویند که اداره جامعه باید به متخصصان سپرده شود و کارگران نمی تواند تصمیم گیری کنند. از بچگی تا پیری این را به ما دایم گوشزد می کنند و بدین صورت نمایندگان "با سواد و تحصیل کرده" خودشان را بالای سر کارگران می گذارند. آنها اینگونه به ما می گویند که کارگران نمی توانند در صندلی مدیران بنشینند و یا در راهروهای مجلس دیده شوند. کارگران اما در پروسه مبارزات بی امان خود درمی یابند که همه این حرفها دروغ است."

بدون شک سرمایه داران و در کشور ما نظام جمهوری اسلامی از رشد جنبشهای ضد سرمایه داری و به ویژه ایده های سوسیالیستی در هراس هستند، زیرا این جنبشها نشاندهنده رادیکالیزه شدن طبقه کارگر و زحمتکشان علیه سیاستهای نو - لیبرالیستی است. با این حال، سوسیالیستها به طور تاریخی در همه نوع مبارزات نقش خود را ایفا می کنند. مبارزه برای ساعات کار انسانی تر، اعتصابات، جنبشهای مدنی، مبارزه علیه جنگهای ارتجاعی و یا امپریالیستی و ... و همزمان مبارزه برای سوسیالیسم را هدف قرار می دهند. آنها با روشهای متنوع و گسترده برای آماده سازی توده ای زحمتکش تلاش می کنند.

آموزش سوسیالیسم به عنوان آلترناتیو نهایی با هر ابزار و هر زمان، سازماندهی برای به میدان مبارزه کشاندن زحمتکشان و همراهی با آنان در همه حرکت‌های اعتراضی، افشای گرایشات راست و صرفا اصلاح طلب و همچنین ارتباط دادن این مبارزات با جنبشهای جهانی وظایف روزانه سوسیالیستی است.

رفراندوم استقلال اسکاتلند، "غول از چراغ بیرون آمده"

رفراندوم برای استقلال اسکاتلند، سیاست در بریتانیا را دگرگون کرد. اگر چه رای "نه" برنده نهایی شد، اما کمپین "آری" با یک سازماندهی توده ای که کارورزان جامعه علیه ریاضت اقتصادی و فساد دستگاه سیاسی و برای آینده ای بهتر حضوری قابل توجهی در آن داشتند، چشمگیر بود و زنگهای خطر را به صدا در آورده است.

رفراندوم "آری" یا "نه" به استقلال، با چند نگاه شایان بررسی است.

"پیتر تافی" در ماهنامه "سوسیالیسم امروز" می نویسد: "سیاسی و پولاریزه شدن طبقاتی به اضافه آغاز نقش آفرینی توده ای در سیاست که برای اولین بار صورت می گرفت، به ویژه شرکت ستم دیده ترین بخش زحمتکشان که خواهان گرفتن سرنوشت خود به دست خویش هستند، موضوع چشمگیری بود. این امر به ویژه برای نخبگان انتصابی که همه امور بریتانیا در دست آنان است، تکان دهنده بود. رفراندوم با شور و شوق بالایی زمین سیاسی بریتانیا را به لرزه در آورده و آنرا دگرگون کرد. یکی از شایان توجه ترین نتایج آن اثری است که در سطح جهانی بر جای گذاشت. کشوری کوچک تر از شهرک "یورک شایر" و به اندازه نیمی از لندن، با سابقه افتخار آمیز مقاومت کارگری، جهان و اروپا را در پایه های خود به لرزه در آورد. رهبران جهان از "اوباما" تا "جین پینگ"، رهبر چین و غیره، حتی با کشاندن پاپ، رهبر کاتولیکها به سمت خود، همگی صف کشیدند تا دیوانه وار با استقلال اسکاتلند مخالفت کنند. طبقه حاکمه بریتانیا که پرستیژ خود را در خطر می دید، آشکارا هراس خود را از رای "آری" در برابر چشم مردم و کسانی که از آن دفاع می کردند، به نمایش گذاشت. آنها بیش از حد معمول در مخالف با کسانی که از استقلال حمایت می کردند، واکنش نشان می دادند. بساط

روزنامه "فاینشیل تایمز" در رساندن صدای طبقه حاکمه داغ بود و از جمله تکرار می کرد "۹۰ درصد بازار علیه رای "آری" است."



البته، صندوق بین المللی پول هم از معرکه عقب نماند و نگذاشت جای کم‌رنگی در مخالفت با رای "آری" داشته باشد و نسبت به خطر شکل گیری "بحران در بازار" هشدار داد. اما چرا اینهمه دلپره؟ علت آن است که شور و هیجان برای استقلال در اسکاتلند توده های مردم در دیگر نقاط اروپا را نیز به شوق آورده بود. بسیاری از کشورهای اروپایی و حتی غیر اروپایی در برابر مطالبه استقلال طلبان در کشور خود قرار گرفته اند. از جمله می توان از توده های "کاتلان" در اسپانیا نام برد که برای کسب استقلال، گوی دولت "ماریانو راخوی" را می فشارند. در حال حاضر کم و بیش همه کشورهای جهان با مساله ملی روبرو هستند و این امر نظامهای حاکم را به دردسر انداخته است. مساله ملی در میان چپ نیز به موضوعی جدی تبدیل شده و برخی از آنان که خود را مارکسیست خطاب می کنند، پیرامون این مبحث در جدال هستند. آنها می توانند با موضعی که اتخاذ می کنند، به دامان اپورتونیستها بیفتند و یا در خدمت بورژوازی و ناسیونالیسم سرمایه داری قرار گرفته و هرگز نتوانند با جنبشهای طبقه کارگر ارتباط پیدا کنند. پلاکاردهای "آری" و شعار های گوناگون دیگر از سوی چپ، این پریشانی در موضع گیری را به نمایش می گذاشت. بخشی از چپ نیز آشکارا با استقلال مخالفت کرد. از جمله "حزب کمونیست بریتانیا" خود را یکبار دیگر در طرف غلط تاریخ قرار داد و رای "نه" به استقلال اسکاتلند داد. این سوال برانگیز است که چگونه می توان ادعای دفاع از زحمتکشان را کرد، اما رای "نه" به خواست آنان داد؟

کمپین "آری" به رفراendum، فرصت بزرگی برای زحمتکشان در برابر تهاجم سرمایه داری و سیاستهای ریاضت اقتصادی طبقه حاکمه و مدافعان آن از جمله صندوق بین المللی پول بود. رفراendum و شرکت گسترده مردم روشن ساخت که می توان برای آینده با توان بیشتر حرکت کرد. این نظر که موضوع استقلال در اسکاتلند به یک نسل دیگر موکول می شود، واقعی نیست. پیتتر تافی می گوید: "غول از چراغ بیرون آمده و همچنان خواستار استقلال است."

منابع:

- Socialistworker.org
- Socialism Today – 182
- socialismtoday.org

کنفرانس اقتصادی لندن بررسی بازار ایران یا تجدید بلوک بندی

جعفر پویه

برگزاری یک کنفرانس اقتصادی با شرکت چندین تاجر و سرمایه دار ایرانی به میزبانی شهر لندن در ۱۵ و ۱۶ اکتبر اتفاقی است که نمی توان به راحتی از کنار آن گذشت. به ظاهر بیش از ۲۰۰ تاجر و وارد کننده ایرانی در لندن گردهم می آیند و با بزرگترین شرکتهای بین المللی اروپایی و آمریکایی به گفتگو می پردازند. خبرگزاریها گزارشهای بسیار مختصری از این کنفرانس مخابره کردند. اجازه تصویر برداری از آن وجود نداشته و به غیر از چند فرد سرشناس شرکت کننده و چند نام، هویت بقیه افرادی که در این کنفرانس حضور داشته اند، معلوم نشده است.

"جک استراو"، یار گرمابه و گلستان رژیم آخوندی، یکی از سرشناسان است، "هوپر ودرین"، وزیر امور خارجه سابق فرانسه هم هست، سفیر آمریکا در لندن نیز بر حُسن انجام کار نظارت دارد. همچنین نمایندگان "توتال" فرانسه، "ایرباس گروپ" و "اسکانیا" از سوئد از طرف اروپاییها و از طرف آمریکا، "سیسکو سیستم"، "سیتی گروپ" و ... نیز حضور داشتند. در ظاهر امر اینها "پتانسیل آینده بازار ایران پس از لغو تحریمهای بین المللی" را می خواهند بررسی کنند.

جالب اینکه در این کنفرانس، جک استراو در سخنرانی خود می گوید: "تجارت انگلیس با ایران در سالهای بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ در زمینه غذایی، پزشکی و کشاورزی به نصف کاهش اما همزمان تجارت با آمریکا به دو برابر افزایش یافته است."

یک نکته اینکه منابع

خبری اروپا

مدتهاست ادعا می

کنند شرکتهای

بزرگ هواپیماسازی،

خودروسازی و فن

شناسیهای اطلاعاتی

آمریکا نظیر

"بویینگ"،

"کرایسلر" و سیسکو

گفتگوهای را با ایران

بر سر سرمایه گذاری

در این کشور آغاز

کرده اند. یعنی به جز

گفتگو بر سر توافق اتمی، در دالانهای تاریک نیز رفت و آمدهایی جریان دارد. ماجرا از چه قرار است، توافق می کنند و بعد شروع یا توافق نکرده مشغول آب و جاروی مسیر هستند؟

باید پازل سیاسی دو طرف این ماجرا را کنار هم چید تا تصویری کلی از آن به دست آید، آن وقت بهتر می شود فهمید هدف چنین کنفرانسهایی چیست و چرا سیاستمدارانی همچون جک استراو میاندار آن هستند؛ کنفرانسی که بلژیکها برگزار کننده اش هستند، به عمد به لندن می رود و آمریکا موضوع اصلی گفتگو می شود.

شرایط داخلی، شرایط خارجی

آنچنان که از مضمون خبرها بر می آید، گفتگوها بر سر توافق اتمی هنوز به جایی نرسیده است. مشخص نیست که تلاش بی وقفه دولت حسن روحانی و نمایندگان آیت الله خامنه ای در کجای کار قرار دارد. آنچه می شود حدس زد اینست که دولت روحانی می داند بدون یک توافق امکان ادامه حیات برایش بسیار مشکل است. دولت او در سیاستهای داخلی یا



شکست خورده و یا توسط رقبا فُشل شده است، فقط مانده تخم مرغهایی که در سبد سیاست خارجی چیده است. خط و نشان رهبر و دار و دسته از یک طرف و صندوق خالی دولت برای پرداخت هزینه های جاری از طرف دیگر، موضوع را بسیار حساس کرده است. اما پر واضح است که امکان گشایش کار برای دولت روحانی سیاسی است و بیش از اینکه توافق اقتصادی یا بازرگانی کاری از پیش ببرد باید درهای سیاست بر پاشنه مقبول بچرخد. اما کجای کار اشکال دارد که با همه این حرفها روزنه امیدی به جز حرافی در افق نیست؟

باز گردیم به موانع سیاسی تا شاید بهتر موضوع را ببینیم. درگیریها در منطقه خاورمیانه با شدت هرچه بیشتر ادامه دارد. رژیم اسد یکی از موارد گفتگوست. داعش برخواسته از خاکستر کشت و کشتار سوریه، در عراق و سوریه شلتاق می کند. حوثیهای یمن بالاخره به میدان آمدند و می روند تا چتر شیعی را در این کشور بگسترانند. لبنان تب دار است و همچنان مترصد فرصتی تا چه پیش آید. ترکیه ناامید از اخوان المسلمین مصر، پا در یک کفش کرده تا رژیم اسد را برکند و رویای امپراتوری عثمانی اردوغان و حزب اش را اندکی واقعیت بخشد. آیت الله خامنه ای در دیدار با نمایندگان جریان نزدیک به خود در منطقه فلسطین بر طبل جنگ کوفته و تحریک و تشویق به درگیری می کند. عربستان و کشورهای عرب همسو نیز باندها و جریانات مسلح خود را دارند و مشغول قتل درمانی هستند. آمریکا هم حضور دارد. به بهانه مبارزه با داعش زیر ساختهای کشور سوریه را هدف گرفته، پشت سرهم بمباران می کند. یک اتحاد بین المللی عریض و طویل نیز راه انداخته و در مورد مبارزه با داعش داد سخن می دهند و البته تاکید می کند که این مبارزه سالها طول خواهد کشید. این اتحاد پرطمطراق پس از مدتها کش و واکش بالاخره تصمیم می گیرد به کردهای کوبانی کمک تسلیحاتی کنند. اما بسته های تسلیحاتی که از آسمان ریخته می شود، در منطقه داعش فرود می آید. یعنی راه دیگری آمریکا برای کمک ندارد؟ در عراق دست اش بسته است؟ از ترکیه می ترسد و در کردستان عراق هم جا پایی ندارد که به آن تکیه کند؟ عجب، فقط از راه هوایی که امکان خطا وجود داشته باشد!

این کشمکشها فقط در روی زمین و با صفیر گلوله جریان ندارد. راه های دیگری نیز برای فشار بر طرفین ماجرا وجود دارد. خامنه ای رهبر و ولی فقیه رژیم همچنان بر طبل عدم اعتماد بر آمریکا می کوبد و تلاش دارد تا با روسیه و چین و چند کشور بینابینی مشکل خود را حل کند. او به هیچ وجه حاضر نیست منافع حاصل از شعار مبارزه با آمریکا را که تا کنون ولایت اش را با آن پیش برده، با هیچ چیز دیگری تعویض کند.

سیاست نزدیکی با روسیه، گفتگوهای سلسله وار، رفت و آمدهای علنی و مخفی، گوش سپاری پوتین به نصایح خامنه ای، قرار دادهای نان و آبدار نفتی و اقتصادی تنها بخشی از این امتیازهاست. عدم دست درازی رژیم به بازارهای نفتی و گازی روسیه در حالیکه بیشترین نیاز را به آنها دارد و نیز حفقان گرفتن در مورد سرکوبهای مسلمانانی که مدعی ام القریای آنهاست به این سیاهه افزوده می شود. از سوی دیگر، چین که بازار بنجلهای خود را یافته، نفت به ثمن بخش می برد و بنجل به قیمت لعل و دُر می فرستد. دلارهای رژیم را ضبط کرده و خود را ملزم به تحریمها می داند، اما در میدانهای نفتی به شغلی که ابداً در آن سر رشته ندارد مشغول است. علی خامنه ای کشوری را با مردمش وجه المصالحه بقای ولایت علیل و ذلیل اش کرده است.

جنگ نفتی

حال که رژیم ولایت فقیه در روی زمین با سازماندهی باندهای مسلح دست بالا را دارد، راه دیگری برای مقابله وجود ندارد؟ اینجاست که عربستان سعودی و شرکا اقدام به عمل دیگری می کنند. آنها می دانند که نیاز رژیم به دلارهای نفتی آنچنان حیاتی است که بدون آن امکان گذران امور برایش بسیار مشکل خواهد بود. پس با سرازیر کردن نفت فراوان به بازار و اشباع آن، قیمت را آنچنان کاهش می دهند که در صورت توانستن رژیم به صدور نفت، درآمد آن کفاف نیازهایش را نخواهد داد. سقوط قیمت نفت به بشکه ای زیر ۸۵ دلار کابوس جدیدی است که عربستان تدارک می بیند. بودجه دولت روحانی که با نفت بشکه ای صد دلار بسته شده، تا کنون نتوانسته به همان میزان مورد نیاز نیز صادر کند، اما این سقوط قیمت کاری می کند که بن بست بی گریزی پیش پای رژیم سبز شود. "توماس فریدمن"، روزنامه نگار و تحلیلگر

آمریکایی در "نیویورک تایمز" این اتفاق را "جنگ نفتی" دانسته و هدف آنرا ورشکسته کردن رژیم ایران و روسیه می‌داند.

حسن عسکری، استاد تجارت بین الملل دانشگاه "جورج واشنگتن" و عضو پیشین هیات اجرایی صندوق بین المللی پول با تحلیل فریدمن موافق است و به خبرگزاری حکومتی مهر می‌گوید: "در صورت از بین رفتن تحریمها نیز نمی‌توان این کاهش قیمتها را جبران کرد."

همچنین محمداقرا نوبخت، معاون حسن روحانی و سخنگوی دولت از یک طرف "تلاش دشمنان برای تضعیف نظام" را بی نتیجه می‌داند و از سوی دیگر اعتراف می‌کند "با این تلاشها میزان صادرات نفت به یک چهارم تقلیل پیدا کرده است" و می‌گوید: "با ادامه روند کنونی درآمدهای پیش بینی شده در بودجه تحقق پیدا نمی‌کند."

معنای این حرفها چیست؟ این فقط رژیم ایران نیست که می‌خواهد از موضوع داعش یک فرصت بسازد و مبارزه با آن را به توافق بر سر تحریمها مشروط می‌کند؛ رقبایش هم با جنگ قیمت نفت یک بحران چند وجهی را برایش طراحی می‌کنند. عربستان سعودی و دیگر همپیمانان اش خواهان امتیازهایی در منطقه درگیری هستند. و این حداقل خواسته آنهاست.

اما آمریکا که پای قدرتمند جنگ قیمت نفت است، کنفرانس لندن را نظارت می‌کند. آنجا چه خبر است؟

رقابت رانتخوارها

واقعیت این است که در داخل رژیم اگر فرماندهان سپاه با ساختن کارتل قرارگاه خاتم الانبیا بخش مهمی از اقتصاد کشور را در دست گرفته‌اند، امنیتیهایی نیز هستند که با رانتهای حکومتی به نان و نوایی رسیده‌اند و پله بعدی را پر کرده‌اند. اینها با انحصار قراردادهای بزرگ اقتصادی کلیه رقبای خود را کنار زده و کم و بیش واردات کشور را نیز قبضه کرده‌اند. هرچند در مقابل، قول بیمه کردن ولایت خامنه‌ای را داده‌اند، اما معلوم است که رقبای اقتصادی شان نیز دست روی دست نگذارند و به فکر چاره باشند. سیل عظیم ورشکستگیهای اقتصادی، خاموش شدن چراغ بسیاری از کارخانجات، تخته شدن دکان واردات چیهیای طرف مقابل بخشی از این کنار زدنهاست. حال اینها به لندن آمده‌اند. با دیگری که قدرت دارند گفتگو می‌کنند، دنبال چاره کار هستند و بیش از این نمی‌خواهند شاهد کساد دکانهای دو نبش خود باشند.

پر بدیهی است که وجود موسسات اطلاعاتی و منابع عریض و طویلی که اطلاعات کاملی از همه روزنه‌های اقتصادی و روابط پیدا و پنهان کشورها دارند، "آشنایی با پتانسیل آینده بازار ایران" را بی معنا می‌کند که موضوع کنفرانس اقتصادی لندن است. فاصله گذاری بین توافق با روسیه و چین و ورود شرکتها و موسسات آمریکایی و اروپایی هدف این کنفرانس است. می‌گویند یکی از موضوعات کنفرانس لندن "بررسی موانع ورود سرمایه‌های خارجی به ایران است"؛ چه مانعی بزرگتر از قرارگاه خاتم الانبیا ممکن است وجود داشته باشد که درباره آن گفتگو شود؟

آشنایی با جاپاهای خود، بررسی توان آنها برای به دست گرفتن اهرمهای اقتصادی، توان آنان برای مقابله با حریف انحصار گری که قدرت نظامی دارد و ... می‌تواند بخشهای مختلف این بررسی باشد. عدم اجازه عکس و فیلم برداری را از این زاویه بهتر می‌توان دید و شاید حضور بعضی از رانتخواران و وابستگان به بخشهایی از نهادهای قدرت و یا پایوران آن نیز هست که علاقه به پنهانکاری را بیشتر توضیح می‌دهد.

در انتها

با این حساب کنفرانس لندن را می‌توان بخشی از صف بندی داخل رژیم برای یارگیری در خارج کشور دانست. جماعتی از آنان می‌خواهد که جنگ قیمت نفت، درگیریهای منطقه و اختلافات داخلی بلوک قدرت جهانی را تبدیل به فرصتی برای خود کند، هرچند پا اندازان چند بلژیکی ناشناخته و مُحَلِّل شان عنصر شناخته شده‌ای همچون جک استراو باشد که شهره شهر است.

بازگشت "فاشیسم" در دوران سرمایه داری معاصر (۱)

سمیر امین

منبع: مانلی رویو

برگردان: آناهیتا اردوان

بازگشت "فاشیسم" به صحنه سیاسی با توجه به بحرانهای سرمایه داری معاصر، امری تصادفی نیست، بلکه دقیقاً با بحرانهای ساختاری نظام سرمایه داری، پیوند خورده است. "فاشیسم"، مترادف یک رژیم پلیسی و استبدادی، که دموکراسی پارلمانی را مردود می‌شمارد نیست، بلکه به طور ویژه، پاسخ یا واکنشی سیاسی به چالشها و بحرانهایی است که مدیریت نظام سرمایه داری در شرایط ویژه ای با آنها دست به گریبان است.

وحدت و تنوع فاشیسم

جنبش سیاسی که به درستی می‌تواند "فاشیسم" نامیده شود، قدرت سیاسی را به ویژه در طول دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۵ در برخی از کشورهای اروپایی پیشرو تسخیر کرد. این شامل "بنیتو موسولینی" در ایتالیا، "آدولف هیتلر" در آلمان، "فرانکو" در اسپانیا، "آنتونیو دآلیویرا سالازار" در پرتغال، "فیلیپ پتن" در فرانسه، "میلکوس هورتی" در مجارستان، "آنتونسکو" در رومانی و "آنتی پاولیچ" در کرواسی بود. جوامعی که قربانی فاشیسم شدند (از کشورهای بزرگ تا کوچک سرمایه داری توسعه یافته، چه "فاشیسم" برآمد پیروزی یا شکست باشد) را نمی‌باید یکسان و در یک کلیت در نظر گرفت. تنوع ساختاری و اختلاف سیستمهای فاشیستی مزبور، سبب تاثیرات گوناگونی بر جوامع کشورهای که در آن ظهور یافتند، گردیده است. با این حال، تمام سیستمهای فاشیستی فوق، گذشته از تنوع، رژیمهایی با دو ویژگی مشترکند:

۱. آنها همگی در شرایطی خواستار مدیریت قدرت سیاسی و کنترل جامعه به شیوه ای هستند که بنیان اساسی و پایه ای نظام سرمایه داری به ویژه پدیده "مالکیت خصوصی" را زیر سوال نبرد. به همین دلیل من برای فاشیسم مدلهای گوناگونی در اداره سیستم سرمایه داری قایلیم. اگر چه، نظام سرمایه داری و حکومت ثروتمندان در سخنرانیهای رهبران بسیاری از گرایشات فاشیستی مورد انتقاد قرار گرفته است، اما ریاکارانه بودن آن به سرعت در راه حلها و رهیافت اشکال گوناگون فاشیستی، به ویژه آنگاه که در رابطه با معضل اصلی، "مالکیت خصوصی بر ابزار تولید" سکوت اختیار می‌کنند، آشکار می‌گردد. از همین رو، "فاشیسم" تنها واکنش و پاسخی به بحرانهایی نیست که مدیریت سیاسی سرمایه داری در شرایط ویژه با آنها روبروست. بلکه، "فاشیسم" در موقعیت خشن و بحرانی سرمایه داری به مثابه یکی از بهترین راه حلها و برخی مواقع، "تنها راه حل ممکن" ظهور می‌نماید. از اینرو، تمرکز بر این بحرانها، در روند کنکاش و تجزیه و تحلیل پدیده "فاشیسم" ضروری است.

۲. گزینه "فاشیسم" جهت اداره جوامع سرمایه داری که دچار بحران ساختاری هستند، همواره حتی در تعریف نیز بر پایه رد دموکراسی استوار است. "فاشیسم" پیوسته درصدد تعویض و بازتعریف عقاید متداولی نظیر "اتکا به رویه انتخاباتی به نفع قدرت سیاسی اکثریت و به رسمیت شناختن حق اقلیت" و دیگر آموزه های تفویضی که جوامع سرمایه داری بر آن بنا شده اند، است. در این روند، فاشیسم به موازات تاکید بر اتوریته عالی رهبران و گماشتگان اصلی ساختار قدرت، با ارزشهایی که نیازمند حفظ و تثبیت انضباط و نظم همگانی است مخالفت می‌کند. واژگون سازی ارزشهای نظام سرمایه داری مدرن توسط فاشیسم با رویکردها و عقاید پس رونده ای همراه است که با توسل به ساختار دولتی مذهبی یا ویژگیهای نژادی، قومی و ملی، مشروعیت لازم جهت برگشت به دوران قرون وسطی را مهیا می‌سازد و امکانات نظری کاملی در اختیار جبهه گرایشات فاشیستی قرار می‌دهد که معمولاً در سخنرانیهای رهبران آن هویداست.

اشکال متنوع رژیمهای فاشیستی در تاریخ اروپای غربی از دو ویژگی بالا برخوردارند و به یکی از چهار رده زیر تعلق دارند:

۱. ظهور فاشیسم در کشورهای سرمایه داری پیشرفته و بزرگ که مشتاق استیلا بر جهان یا حداقل منطقه بودند "نازیسم" مدلی از "فاشیسم" است. کشور آلمان با شروع دهه ۷۰ قرن نوزدهم به یکی از بزرگترین قدرتهای صنعتی و یک رقیب برای قدرتهای منطقه (انگلیس و فرانسه) و آمریکا بدل شد. بعد از شکست سال ۱۹۱۸، نازیسم مجبور گشت تا برای

دستیابی به اهداف هژمونی طلبانه، با عواقب شکست کنار بیاید. هیتلر کاملا نقشه خود را طرح ریزی کرده بود: تسلط بر اروپا و روسیه در راستای تامین هژمونی تمام عیار آلمان که سیستم سرمایه داری انحصاریش به رستاخیز نازیسم یاری رسانده بود. هیتلر یقین داشت که مخالفان اش با طرح مزبور موافقت خواهند کرد. خطای بزرگ هیتلر این بود که تصویر می کرد چنین توافقی ممکن است. در حالی که بریتانیا و آمریکا با آن مخالفت کردند و ژاپن از آن حمایت کرد.

"فاشیسم ژاپنی" نیز به گروه یک تعلق دارد. سرمایه داری مدرن ژاپن از سال ۱۸۹۵ به شدت قصد سلطه بر تمام آسیای شرقی را داشت. روند ظهور "فاشیسم" در ژاپن تقریباً آرام و از ساختار سیاسی "امپراتوری" به عنوان نماینده بورژوازی ملی آغاز گردید. بورژوازی ملی مذکور اگر چه به ظاهر توسط سازمانهای لیبرال اداره می شد، ولی در حقیقت تحت سیطره کامل امپراتور قرار داشت. سرانجام، نتیجه نوسازی آریستوکراسی به ظهور ساختار سیاسی ناهنجار و بیرحمی انجامید که بوسیله سران عالی رتبه ارتش اداره می شد.

نازیسم آلمان با امپراتوری فاشیست ژاپن پیمان بست. این در حالی بود که بریتانیای کبیر و ایالات متحده آمریکا (بعد از پرل هاربر (۱)، ۱۹۴۱) به ژاپن اعلام جنگ کردند.

۲. فاشیسم در دوره دوم قدرتهای سرمایه داری

موسولینی ایتالیا (مخترع فاشیسم، شامل نامش هم می شود) نمونه بارزی از رده دوم، است. موسولینیسم، پاسخ گرایش راست ایتالیا (آریستوکراسی قدیم و بورژوازی نو، طبقه متوسط) به بحرانهای دهه ۱۹۲۰ و رشد تهدید "کمونیسم" بود. اما نه نظام سرمایه داری ایتالیا و نه ابزارهای سیاسی آن یعنی فاشیسم موسولینی، هرگز قصد غلبه بر اروپا را نداشتند، بلکه سلطه بر جهان را در سر می پروراندند. موسولینیسم، با وجود تمام خودستایی و دعاوی اغراق آمیز پیرامون غلبه بر جهانی به وسعت امپراتوری روم باستان، به خوبی می دانست که ثبات و حفظ نظامش به مثابه یک زیردست به نظر هم پیمانان اش، بریتانیای کبیر (رییس مدیترانه) یا آلمان نازی بستگی دارد. درنگ و تامل "فاشیسم موسولینی" در انتخاب یکی از این دو به عنوان متحد تا آغاز جنگ جهانی دوم ادامه داشت.

فاشیسم "سالازار" و "فرانکو" را نیز می توان در همین رده قرار داد. هر دوی این ساختارهای دیکتاتوری از گرایش راست و کلیسای کاتولیک در واکنش به خطر آزادیخواهان جمهوریخواه یا سوسیالیستهای جمهوریخواه سر برآوردند. این دو نوع فاشیسم به همین دلیل هرگز به خاطر سیاستهای خشونت آمیز و غیردموکراتیک که در حقیقت دستاویزی برای تهاجم به کمونیستها بود، از سوی قدرتهای امپریالیستی مورد انتقاد یا انزوا قرار نگرفتند. واشنگتن بعد از سال ۱۹۴۵ به ترمیم این دو نوع فاشیسم (سالازار یکی از اعضای موسس ناتو بود و اسپانیا با تاسیس پایگاههای ارتش آمریکا در کشور موافقت کرد)، پرداخت. این دو فاشیسم توسط قدرتهای اروپایی نیز به مثابه محصولات ارتجاعی امپریالیسم به رسمیت شناخته شدند و پس از انقلاب موسوم به "انقلاب میخک" (۱۹۷۴) و مرگ "فرانکو" (۱۹۸۰)، به جبهه کشورهای نیمه دموکراتیک عصر ما پیوستند.

پانویس:

۱- بندر پرل هاربر بزرگترین پایگاه دریایی آمریکا در مجمع الجزایر هاوایی در اقیانوس آرام است. این بندر در تاریخ ۷ دسامبر سال ۱۹۴۱ مورد حمله غیرمنتظره ژاپن واقع شد. حمله مزبور باعث شد تا آمریکا بی درنگ وارد جنگ جهانی دوم شود.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

چالشهای معلمان در مهر ماه

فرنگیس بایقره

بیانیه جمعی از معلمان ایران به مناسبت بازگشایی مدارس در مهر ۹۳

طبقه - ۳۰ شهریور - یکصد تن از معلمان و بیش از ۱۵۰ تن از فعالان صنفی و مدنی با امضا طوماری از مشکلات صنفی و معیشتی معلمان ایران و خواسته های آنان می گویند.

قسمتهایی از متن بیانیه:

در حالی به استقبال مهر و بازگشایی مدارس می رویم که نابسامانیهای آموزش و پرورش در حوزه های مختلف، چشم انداز درخشانی را برای معلمان و دانش آموزان به تصویر نمی کشد. جدای از مشکلات ساختاری در نظام آموزشی در طی سالهای پس از انقلاب، ۸ سال بی مدیریتی و بی برنامهگی در عرصه آموزش در دوره احمدی نژاد، نظام آموزشی را با چالشهای جدید روبرو کرده بود و اینک بعد از گذشت یکسال از حاکمیت حسن روحانی، در همچنان بر همان پاشنه می چرخد. دولت جدید نه تنها بر مشکلات پیشین فایق نیامده است، بلکه مشکلات جدیدی را نیز بر حجم مشکلات آموزش عمومی، مشکلات معلمان، دانش آموزان و خانواده ها نیز افزوده است. مشکلات معیشتی و رفاهی معلمان از قبیل پایین بودن دستمزد، عدم برخورداری از حمایتهای اجتماعی و فرهنگی همچنان پابرجاست. بیمه تکمیلی ایران به خاطر سوومدیریت از پرداخت بدهیها امتناع می کند، بیمه پایه و تکمیلی فعلی، ناکارآمد و غیر شفاف است و تعهداتش درخور خانواده بزرگ معلمان نیست و در حال حاضر مساله بیمه درمانی، بیش از گذشته به یک معضل جدی تبدیل شده است.

مشکلات فوق در عرصه آموزش عمومی کشوری که حاکمانش حق تشکل یابی و مشارکت اصناف در سرنوشت خود را محدود به مجوز و سلیق سیاسی جناحها کرده اند، امری بدیهی است. متأسفانه مساله تشکل یابی معلمان با مشکلات عدیده ای روبرو است و دولت کوچکترین حقی برای تشکل یابی مستقل معلمان و سایر اصناف قایل نیست. به عنوان نمونه، تشکلهای کارگری مستقل در طی سالهای اخیر به صورت قهر آمیز حذف و سرکوب شده اند، برخی فعالان صنفی معلمان با زندانهای طولانی مدت، تبعید، توبیخ شده اند و اعتراضات پرستاران در نطفه خفه شده است.

دولت روحانی در بدو کار خود، با طرح حمایت از فعالیت تشکلهای مجوز دار، زمینه برخورد جناحی و باندی با مساله تشکلهای صنفی معلمان را گشود. اما خارج از دولت نیز برخی از سازمانها و انجمنهایی که نام معلم را با خود یدک می کشند، منافع جناحی و سیاسی خود را بر مسایل صنفی و اساسی معلمان ترجیح می دهند. نگاهی به اخبار و جهت گیریها این گروهها در سایتهای شان نشان از جهت گیری آنان برای کسب قدرت سیاسی دارد و اگر نگاه به پایین و معلمان دارند، با هدف بهره برداری از موقعیت معلمان برای لابی در هرم قدرت است. در سایه وجود چنین جریاناتی ما نمی توانیم از وجود تشکل مستقل صنفی در ایران سخنی به میان آوریم.

ما به عنوان جمعی از معلمان ایران نسبت به آینده آموزش عمومی نگران هستیم و اعتقاد داریم بایستی با توجه به مشکلات پیش رو و مستقل از حاکمیت، خواسته هایمان را بیان نماییم و برای تحقق آنها تلاش کنیم و نسبت به تحقق موارد زیر به تمام معلمان، دانش آموزان و خانواده ها فراخوان می دهیم:

۱. با توجه به اعلام منابع رسمی دولت که خط فقر در ایران یک میلیون و هشتصد هزار تومان است، حداقل دستمزد هر معلم (رسمی، غیر رسمی) بایستی بالای خط فقر باشد.

۲. تسریع و تسهیل در پرداخت هزینه های درمانی، سازماندهی منظم و مدرن و غیر متزلزل اوضاع بیمه از اولویتهاست و دولت باید نسبت به رفع معضلات و تامین خدمات اجتماعی و بیمه درمانی پایه و تکمیلی اقدام فوری نماید.

۳. خصوصی سازی آموزش عمومی و رایگان تحت هر عنوان و هر شرایط نقض حقوق اساسی انسانی است و باید متوقف شود.

۴. تحصیل حق ابتدایی هر کودک (ایرانی، مهاجر) است و بایستی تمام افراد جامعه تحت پوشش خدمات تحصیل رایگان باشند.

۵. آموزش و پرورش نیاز به تعدیل نیرو ندارد، نیاز به سازماندهی و مدیریت صحیح منابع انسانی دارد.

۶. اعتراض، تحصن و پیگیری مطالبات حق تمام معلمان است. ما از اعتراضات روزهای اخیر مریدان پیش دبستانی حمایت می کنیم و دولت بایستی از تهدید و ارعاب آنان دست بردارد و نسبت به استخدام و احقاق حقوق آنان اقدام فوری به عمل آورد.

۷. تبعیض در نظام آموزشی به هر شکل در حق دانش آموزان و معلمان ممنوع است. از جمله: تبعیض جنسیتی، فرهنگی، دینی، قومیتی و زبانی باید کاملاً حذف گردد.

۹. تشکل یابی حق معلمان است و این حق نمی تواند از سوی دولتها به هر شکل و بهانه ای سلب گردد.
۱۰. ما به تمام معلمان برای اتحاد و تشکل یابی مستقل فراخوان می دهیم و معتقدیم حل مشکلات آموزش در ایران در گرو اتحاد، همدلی و مشارکت تمام معلمان است و هر جا ضرورت ایجاد کند بایستی با تمام زحمتکشان، پرستاران و کارگران برای تحقق حقوق اساسی و اولیه خود متحد شویم.
به امید جهانی بهتر، همراه با صلح، آزادی و برابری

آخرین خبر از ادعای افزایش فوق العاده شغل دبیران ابتدایی

ایسنا، ۵ مهر - چند روز پیش خبری در ایسنا تحت عنوان "متوسط حقوق فرهنگیان ۱،۵ میلیون تومان" به نقل از معاون وزیر آموزش و پرورش درج شد که واکنشهای متفاوتی را به همراه داشت.

به گزارش خبرنگار منبع مزبور بخشی از نظرات فرهنگیان در این باره به شرح زیر است:

- آقا خدا رو شاهد می گیرم من با مدرک فوق لیسانس ۹۳۰ هزار تومان حقوق می گیرم، هیچ قسطی هم از حقوقم کم نمیشه. کدوم یک میلیون و پانصد؟

- دروغی است بزرگ.

- با ۳۲ سال کار تجربه ای و ۲۷ سال کار رسمی و مدرک لیسانس، یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حقوق می گیرم، این میانگین حتماً برای مدیران است.

- بعد از ۲۴ سال سابقه تدریس هنوز زیر حکم بنده یک میلیون و پانصد هزاره. چطور میشه متوسط حقوق اینقدر باشه؟ چرا دروغ تحویل مردم می دید؟

- این خبر کذب محض است. حقوق یک دبیر ریاضی با ۱۰ سال سابقه در منطقه محروم حدود یک میلیون و بیست هزار تومان است.

- این اطلاعات را از کجا آورده اید؟ بنده با ۲۰ سال سابقه و مدرک فوق لیسانس یک میلیون و پانصد نمی گیرم، در صورتی که خیلیها در مدرسه و منطقه ما از این مبلغ هم کمتر می گیرند، چطور می شود که میانگین حقوق معلمان این مبلغ باشد؟ اگه منظور تان مدرسان شاغل در دانشگاه فرهنگیان است، بله این مبلغ درست است.

- آقایان کاش می گفتن خودشان چقدر می گیرن و معلم چقدر؟ اصلاً نمی تونن حتی یک ماه مثل ما زندگی کنن.

- عجب دروغ شاخداری! من با مدرک فوق لیسانس و ۲۹ سال سابقه هنوز دریافتی ام ۱ میلیون و چهارصد هزار تومنه. این مسوول بر چه مبنایی این را می گوید؟ بگذریم که وزارت نشینان از مزایای فراوانی برخوردارند که معلمان از آن بی بهره اند.

- آقای محترم من یکی از آموزگاران روستاهای دور افتاده سیستان و بلوچستان با هشت سال سابقه کاری هستم. نمی دونم این میانگین حقوقی شما مال کجا بود؟ من با این سابقه یک تومان [یک میلیون] حقوقم هست.

- بعد از ۱۷ سال سابقه، حقوقم یک میلیون است.

- وقتی مسوول مربوطه ما این گونه صحبت می کند، واقعا باید برای معلمان تاسف خورد. هیچگونه بیمه خوبی نداریم. حقوقم بعد هشت سال سابقه کاری به زور به یک میلیون می رسد. مزایا و اضافه کار که اصلاً وجود ندارد. تمام سازمانها بن یا هر تشویقی دیگری به کارکنان خود می دهند، اما معلمان از اول سال هر ماه شاهد کسری حقوق خود به علت نرخ جدید بیمه ها و مالیات هستند.

- وزیر آموزش و پرورش درباره این موضوع گفت: "یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان متوسط دریافتی فرهنگیان رقمی است که سیستمهای ما می دهند، حتی اگر دریافتی معلمان یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان باشد و کمتر از آن نباشد، باز هم معتقدیم این رقم باید افزایش یابد."

وی افزود: "البته دولت محدودیتهایی دارد و ما در حال پیگیریهای هستیم و امید است گشایشی در این خصوص فراهم شود."

وزیر آموزش و پرورش در پایان اعلام کرد: "افزایش فوق العاده شغل معلمان مقطع ابتدایی نیز اکنون در حال پیگیری است."

تجمع مربیان پیش دبستانی بجنورد مقابل استانداری

ایرنا، اول مهر - شماری از مربیان پیش دبستانی شهرستان بجنورد در استان خراسان شمالی روز سه شنبه، در نخستین روز مهر ماه، در اعتراض به نبود امنیت شغلی در مقابل استانداری تجمع کردند. این مربیان دلیل اجتماع خود را نبود امنیت شغلی، حقوق کم و نبود مزایا و اختصاص ندادن فضا در مدارس دولتی برای تشکیل کلاسهای پیش دبستانی عنوان کردند.

در سال گذشته تحصیلی ۲۷۳ مربی پیش دبستانی، آموزش حدود ۱۷ هزار کودک پیش دبستانی استان خراسان شمالی را عهده دار بودند.

تجمع مربیان پیش دبستانی در اعتراض به اظهارات متناقض سخنگوی دولت

ایلنا، ۸ مهر - نزدیک به ۱۰۰ مربی پیش دبستانی عصر روز سه شنبه ۸ مهر مقابل مجلس تجمع کردند.



تجمع کنندگان که عموماً از شهرهای دیگر به پایتخت آمده اند، به اجرا نشدن قانون تعیین تکلیف استخدام حداقل ۳۰ هزار مربی پیش دبستانی و استنکاف دولت از تخصیص ردیف بودجه برای استخدام این مربیان معترض اند.

یکی از مربیان حاضر در تجمع امروز که خواست نامش فاش نشود، با رد ادعای دولت مبنی بر نداشتن منابع کافی برای استخدام مربیان پیش دبستانی، به اظهارات هفته گذشته محمدباقر نوبخت، معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور در نشست با فرهنگیان استان کرمانشاه اشاره کرد.

آقای نوبخت هفته گذشته گفته بود: "بر اساس توافقی صورت گرفته مقرر شده تا در استخدامهای آموزش و پرورش، اولویت به فرزندان فرهنگیان داده شود."

این مربی پیش دبستانی افزود: "اگر دولت در ادعایش مبنی بر نداشتن منابع مالی کافی برای استخدام مربیان پیش دبستانی صادق بود، آقای نوبخت چنین سخنانی را نمی گفت."

او در ادامه پرسید: "چطور سی هزار مربی پیش دبستانی که سالها برای آموزش و پرورش کار کرده اند، آموزش دیده اند، به آنان قول استخدام داده شده است و هر هفته برای بیان مطالبات شان مقابل مجلس و نهادهای دولتی تجمع می کنند در لیست اولویت استخدام آقای نوبخت قرار نگرفته اند؟"

او در عین حال با انتقاد از سکوت وزیر آموزش و پرورش در جلسه هفته گذشته کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، گفت: "آقای فانی در کمیسیون آموزش سکوت می کند. در تلویزیون می گوید به ما ردیف بودجه استخدامی نمی دهند اما"

وزارتخانه پیگیری می کند. حالا هم که سخنگوی دولت گفته اولویت استخدام در آموزش و پرورش با فرزندان فرهنگیان است. ما کدام حرفشان را باور کنیم؟"

او در پایان گفت: "مربیان پیش دبستانی از مجلس می خواهند ماده ۲۳۶ آیین نامه داخلی را برای وزیر آموزش و پرورش اجرا کنند."

گفتنی است ماده ۲۳۶ آیین نامه داخلی مجلس به حق نمایندگان برای شکایت از دولت به قوه قضاییه و استیضاح رییس جمهور یا وزرا در صورت استنکاف آنان از اجرای قانون اشاره دارد.

وزیر آموزش و پرورش: یک سوم مدارس کشور استانداردهای لازم را ندارند

ایرنا، ۱۳ مهر - وزیر آموزش و پرورش گفت: با وجود اقدامات خوبی که در سطح وزارتخانه انجام شده، اما هنوز یک سوم مدارس کشور، استانداردهای لازم را ندارند و نیاز به بازسازی و تعمیر و برخی نیز نیاز به تخریب دارند.

دکتر علی اصغر فانی در حاشیه سفر به استان گلستان افزود: "برای تامین بودجه این بخش از کار باید مجلس و دولت دست به دست هم دهند و بخشی نیز از محل کمکهای مردمی و خیرین مدرسه ساز تامین شود."

وی ادامه داد: "در حوزه کیفیت بخشی به کارها و برنامه های آموزشی، ۹۹ برنامه داریم که از برنامه های اتخاذ شده از ۴۰ راهکار از مجموع ۱۳۰ راهکار سند چشم انداز آموزشی کشور است که این برنامه ها نشان می دهد در حال ورود به اجرای راهکارهای اساسی در وزارتخانه هستیم."

وی گفت: "امسال ۱۲ میلیون و ۷۰۰ هزار دانش آموز به همراه یک میلیون فرهنگی سال تحصیلی را در ۱۲۲ مدرسه در سراسر کشور آغاز کردند."

عضو کمیسیون آموزش مجلس مطرح کرد: موضوع استخدام مربیان پیش دبستانی همچنان بلا تکلیف است

خبرگزاری فارس، ۱۸ مهر - ابوالقاسم خسروی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در خصوص استخدام مربیان پیش دبستانی اظهار داشت: "مجلس شورای اسلامی مُصر است تا این مصوبه قانونی اجرا شود."

وی ادامه داد: "وزیر آموزش و پرورش مدعی است ردیف استخدامی ندارد و به همین دلیل برگزاری آزمون فایده ندارد. معاونت راهبردی رییس جمهور نیز می گوید آموزش و پرورش بیشتر از سهم مورد نیاز خود استخدام داشته است و مجوزی برای استخدام ندارد و این موضوع همچنان در بلا تکلیفی است."

تجمع جمعی از بازنشستگان آموزش و پرورش

ایرنا، ۲۸ مهر - جمعی از بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش با تجمع مقابل مجلس خواستار اجرای نظام جامع هماهنگ پرداخت حقوق به این قشر از جامعه شدند.

به گفته یکی از بازنشستگان این وزارتخانه قانون نظام جامع هماهنگ پرداخت حقوق و مزایا مصوب سال ۸۶ تاکید دارد که حقوق افراد باید براساس نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی افزایش پیدا کند این در حالی است که این قانون پس از گذشت ۷ سال در مورد بازنشستگان آموزش و پرورش اجرایی نشده است.

معلمان حق التدریس مقابل مجلس تجمع کردند

ایلنا، ۲۹ مهر - تعدادی از مربیان حق التدریس سازمان آموزش فنی و حرفه ای وابسته به وزارت کار به نشان اعتراض در مقابل مجلس تجمع کردند. این مربیان دلیل تجمع خود را وضعیت قرارداد خود با سازمانهای ذی ربط عنوان کرده و با اشاره به مصوبات اخیر مجلس شورای اسلامی خواستار توجه وزارت خانه و مجلس به این مساله شدند.

اخبار کارورزان پرستاری و سلامت

امید برهانی

جامعه پرستاری منتظر عمل وزیر بهداشت به وعده هایش است

نظام پرستاری، ۷ مهر - شمس الدین شمس، عضو شورای عالی نظام پرستاری در گفت و گو با خبرنگار نظام پرستاری با اشاره به جلسه اخیر شورای عالی نظام پرستاری با وزیر بهداشت گفت: "در این جلسه حرفها و قولهایی از جمله تعریف بسته ای در حوزه پرستاری در بحث طرح تحول نظام سلامت داده شد که متاسفانه تا امروز خبری از اجرای آنها نشده است."

وی ادامه داد: "به نظر می رسد تا امروز فقط یک گروه خاص در مجموعه کارکنان سلامت دیده شده اند و فقط درآمدها، مزایا و پرداختیهای یک قشر خاص افزایش پیدا کرده است و سایر کارکنان از جمله پرستاران هر چه تلاش می کنند، صحبت می کنند، جلسه می گذارند و بحث می کنند، راه به جایی نمی برند."

وی اضافه کرد: "تا امروز دایم به ما قول و وعید داده اند که به زودی پرداختیها تعدیل می شود و روند به این شکل باقی نمی ماند و اصلاح می شود اما در عمل اتفاقی نمی افتد. تمام این مسایل در حالی رخ می دهد که با افزایش مراجعات در کنار کمبود نیروی انسانی، فشارها و بار کاری بر جامعه پرستاری به دنبال اجرای طرح تحول نظام سلامت بسیار بالا رفته است."

شمس ادامه داد: "جامعه پرستاری تا کی باید صبر و حوصله به خرج دهد و تا کجا این وضعیت را تحمل کند، البته بارها اتفاق افتاده که پرستاران تصمیم به اعلام نارضایتیهای خود گرفته اند."

انتقاد از حضور کمک پرستار بر بالین بیماران

خبرگزاری مهر، ۸ مهر - عضو شورای عالی نظام پرستاری، تربیت کمک پرستار به بهانه رفع کمبود نیروی پرستاری در بیمارستانها را ظلم مضاعف در حق بیماران دانست و گفت: "در حالی که دنیا به سمت پرستاری تخصصی و فوق تخصصی می رود، استفاده از افراد دیپلمه که با یک دوره آموزشی ۶ ماهه در مراکز درمانی حاضر می شوند، ظلم به بیماران است." محمد شریفی مقدم با انتقاد از نگاه وزارت بهداشت به حوزه پرستاری، افزود: "علت اصلی کمبود پرستار، نبود نیروی انسانی نیست، بلکه ترک شغل، تغییر شغل، مهاجرت به خارج از کشور و در نهایت، خانه نشینی پرستاران است که باعث شده دچار کمبود پرستار شویم."

وی با اشاره به آمار سال ۲۰۱۴ وزارت کار آمریکا که به تفکیک اهمیت مشاغل از حیث درآمد پرداخته است، گفت: "در تقسیم بندی مشاغل، پرستاری بالاتر از پزشک متخصص و جزو ۵ شغل برتر قرار دارد که اهمیت حرفه پرستاری را نشان می دهد. در حالی که پرستاری در کشور ما به سمت قهقرا می رود و برای مسوولان هم مهم نیست که چه بلایی سر پرستاری می آید."

عضو شورای عالی نظام پرستاری با اعلام اینکه درآمد پرستار در آمریکا سالانه بین ۹۰ تا ۱۰۰ هزار دلار است، اظهار داشت: توجه به حرفه پرستاری و تخصصی بودن پرستاری، منجر به ارتقای خدمات درمانی به بیماران می شود."

بیانیه شماره یک نظام پرستاری پیرامون افزایش بی سابقه تعرفه های پزشکی

نظام پرستاری، ۱۵ مهر - چند روزی است طرح شگفت آوری به عنوان اجرای کتاب ارزشهای نسبی خدمات به عنوان گام سوم طرح تحول سلامت، بر اساس اعلام وزارت بهداشت به تصویب دولت رسیده و توسط وزارت مذکور به اجرا در آمده است.

نگاهی عمیق تر به این طرح حاکی از چند اتفاق مهم و پیامدهای منفی است که سازمان نظام پرستاری کشور با عنایت به رسالت خود که باید مدافع حقوق مردم، بیماران و کارکنان نظام سلامت (کارکنان غیر پزشک متخصص) است، سکوت را جایز ندانسته و خطاب به تمام مسوولان عزیز نظام در هر سه قوه و به ویژه نمایندگان محترم مجلس نگرانی عمیق خود را

ابراز داشته و درخواست دارد در جهت حفظ حقوق آحاد جامعه در ابتدای راه از اجرای خودسرانه به اصطلاح گام سوم طرح تحول نظام سلامت با روش فعلی جلوگیری نموده و با مداخلات علمی و کارشناسی، آن را به مسیر صحیح و مردم محور هدایت کنند.

اما دلایل نگرانی:

۱- نگاهی اجمالی به این طرح نشان می دهد حداقل ۴۰ و حداکثر بالغ بر ۳۰۰ درصد تعرفه های پزشکی موجود افزایش یافته و بالغ بر ۱۷۰۰ خدمت جدید بر همین مبنا شناسایی و تعرفه گذاری شده است.

۲- دریافتی پزشکان محترم متخصص عضو هیات علمی، جدای از حقوق هیات علمی درآمدشان، از کارانه های بیمارستانها آن هم از هر بیمارستان بالغ بر ۲,۵ برابر می شود. به طور مثال: کارانه حداقل ۱۰ میلیون تومانی هر پزشک به ۲۵ میلیون تومان در هر ماه افزایش خواهد یافت.

۳- البته کارانه پیراپزشکان و پرستاران به همین نسبت افزایش می یابد، اما مبلغ میانگین ۲۰۰ هزار تومان کارانه پرستاران به ۵۰۰ هزار تومان افزایش خواهد یافت و حداقل دریافتی یک متخصص با حداکثر دریافتی یک پیراپزشک بیش از ۵۰ برابر اختلاف خواهد داشت.

۶- قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری که هفت سال است به تصویب مجلس رسیده و توسط مبادی قانونی رسماً برای اجرا ابلاغ شده است، بارها به خاطر بودجه ای ناچیز حتی برای اجرای آزمایشی معطل مانده است و هر بار که به مراحل جدی اجرایی می رسید، جواب داده می شد که هزینه آن در بودجه سال جاری دیده نشده است و برای سالهای آتی برنامه ریزی خواهد شد، اما متأسفانه برای پزشکان متخصص طرحی به این عظمت بدون اینکه ردپایی در بودجه کشور داشته باشد در مدت یک هفته به اجرا در می آید. برای این طرح، بودجه ای بالغ بر هزار و ششصد میلیارد تومان را بدون هیچ کم و کاستی تامین و به آن اختصاص می دهند.

حقیقتاً سازمان نظام پرستاری به خاطر چند ماه گذشته که سکوت خود را نشکسته شرمند پرستاران و پیراپزشکان عزیز است، چرا که امید داشت از تلاش اش برای اصلاح تفکر حاکم بر نظام سلامت نتیجه بگیرد، به همین علت در این مدت همگان را دعوت به صبوری و خویشتن داری می نمود. اما از این به بعد خود را مقید به خواهش و التماس پیش پرستاران نمی داند و می داند که کاسه صبر پرستاران و کارکنان نیز لبریز شده است و این همه تفکرات طبقاتی و شیب دار را بر نمی تابند.

در پایان از همه پرستاران و کارکنان مراکز بهداشتی، درمانی تقاضا داریم ضمن کنترل احساسات صنفی و اجتماعی خود؛ اولاً از طرق کاملاً مسالمت آمیز و قانونی، خواسته های به حق خود را تا حصول نتیجه دنبال کنند. ثانیاً دستگاههای امنیتی و قضایی در جریان امر قرار گیرند که متأسفانه اقدامات جدید وزارت بهداشت عامل اصلی ایجاد و گسترش تنش در مراکز بهداشتی درمانی است. لذا قبل از اینکه از پرستاران و کارکنان انتظار آرامش داشته باشند، دنبال حل ریشه ای موضوع از سرچشمه، طرق و مجاری قانونی مربوطه باشند.

هیات مدیره نظام پرستاری تهران خواستار برگزاری تجمع شد

نظام پرستاری، ۱۶ مهر - در پی اقدام اخیر وزارت بهداشت مبنی بر افزایش ۲,۵ برابری تعرفه خدمات پزشکی و ایجاد موج نارضایتی در میان سایر گروههای نظام سلامت، هیات مدیره نظام پرستاری تهران نامه ای خطاب به استانداری تهران تهیه کرد و خواستار صدور مجوز برگزاری تجمع توسط پرستاران شد. در متن این نامه چنین آمده است:

استاندار محترم تهران

جناب آقای مهندس هاشمی

با تقدیم سلام و احترام نظر به عدم اجرای کامل قوانین مهم جامعه پرستاری از جمله اجرای کامل قانون ارتقا بهره وری، تعرفه گذاری خدمات پرستاری (هفت سال پیش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است)، توزیع ناعادلانه منابع هدفمندی یارانه ها در بخش بهداشت و درمان تحت عنوان طرح تحول نظام سلامت و اجرای کتاب ارزشهای نسبی

خدمات (تعرفه های پزشکی) این هیات مدیره که منتخب پرستاران شهر تهران می باشد، درخواست صدور مجوز قانونی برگزاری تجمع در مقابل

۱- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری

۲- وزارت بهداشت

۳- مجلس شورای اسلامی

را دارد.

خواهشمند است اقدامات عاجل و مقتضی را مبذول فرمایید تا از اقدامات و تجمعات در سطح بیمارستانها که محیط امن برای بیماران است، پرهیز شود.

یعقوب قدسیان سرشت

رئیس هیات مدیره نظام پرستاری تهران

۹۸ درصد شهرهای کشور سیستم جمع آوری فاضلاب ندارد

سلامت نیوز، ۱۲ مهر - گزارشها از این موضوع حکایت دارد که ۹۸ درصد شهرهای کشور سیستم جمع آوری فاضلاب ندارد. مهم ترین مشکلی که این فقدان به وجود می آورد، غیرقابل جمع آوری بودن فاضلاب برای تصفیه شدن و هدایت پساب برای مقاصد خاصی چون آبیاری فضای سبز شهری است.

در حال حاضر، در اغلب شهرها از چاههای جذبی برای دفع فاضلاب استفاده می شود. البته، آن دو درصد شهرهایی که سیستم جمع آوری فاضلاب دارند هم اغلب فاقد سیستم تصفیه مناسب هستند. بنابراین، می توان گفت سیستم تصفیه فاضلاب در کشور نداریم و این نقیصه بزرگ، آلودگی آبهای سطحی و زیرزمینی را در پی دارد.

به گفته بسیاری از کارشناسان، به دلیل نبود سیستم دفع فاضلاب، فاضلابهای خانگی و صنعتی به چاههای جذبی می ریزد که این مساله در نهایت باعث آلودگی سفره های آب زیرزمینی و آلودگی آنها می شود. میزان نترات در آبهای آشامیدنی برخی شهرها به دلیل نفوذ فاضلاب به سفره های زیرزمینی بیش از حد استاندارد است که این امر در درازمدت مشکلاتی را برای سلامت مردم این مناطق به وجود می آورد. این درحالی است که معاون بهداشتی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این باره، گفت: "نتایج پایش و کنترل مداوم کلرسنجی، نترات و میکروبی آب تهران براساس استانداردهای بهداشتی حاکی از سلامت آب شرب تهران است."

ایرنا نیز نوشت: "علی اکبر سیاری تردید درباره سلامت و کیفیت آب شرب تهران را بی اساس خواند." علاوه براین فقدان شبکه مناسب برای دفع فاضلاب شهری، باعث رشد جانوران موذی از جمله موش در فاضلابهای تهران شده است. از این رو، فقط در شهر تهران سالانه حدود ۱۱ تن جونده کش برای نابودی موشها مصرف می شود.

تقلب در مواد غذایی و لاپوشانی

خبرگزاری فارس، ۲۳ مهر - رییس کمیسیون بهداشت مجلس، حسینعلی شهبازی در همایش روز جهانی غذا در سالن اجلاس گفت: "ما نمی دانیم اکنون چه چیزی را بخوریم که مشکلی نداشته باشد. اینکه آمار سرطانها در کشور بالا رفته و سالانه صد هزار مورد جدید اضافه می شود یا بیماری قلبی رتبه اول مرگ و میر را دارد، نگران کننده است و از عوامل مؤثر در آن مواد غذایی است."

رییس کمیسیون بهداشت مجلس گفت: "با این وجود وقتی از ناسالم بودن مواد غذایی صحبت می شود عده ای صدایشان در می آید، همانگونه که در رابطه با روغن پالم دیدیم که چه جنجالی برپا شد. با جنجالی شدن این موضوع که باعث بیماریهای قلبی و عروقی می شود، خیلها گفتند به صنایع لبنی ضربه می خورد، اما وزارت بهداشت وظیفه دارد در مورد آنچه به سلامت ضرر می رساند اعلام نظر کند و وظیفه اصلی ما تاکید بر مواد غذایی سالم است، اما متاسفانه لاپوشانی اینقدر زیاد می شود که سلامت به فراموشی سپرده می شود."

شهریاری افزود: "در مورد سوسپیس و کالباس نیز وقتی صحبت شد، برخیها گلایه کردند. اما در مورد خمیر مرغ صحبت‌های ضد و نقیضی وجود دارد که در چه نوع و در کجا باید استفاده شود." او ابراز داشت: "در صنایع غذایی مرغ، ماهی قزل آلا و هر چه می‌خوریم شک و تردید وجود دارد."
 شهریاری گفت: "ما در کشور اسلامی زندگی می‌کنیم و سلامت انسانها باید برایمان مهم باشد و باید مواد غذایی سالم تهیه شود."

اعتراض پرستاران به عدم اجرای قانون تعرفه پرستاری



خبرگزاری مهر، ۲۵ مهر - بی توجهی وزارت بهداشت به خواسته های پرستاران، باعث بی اعتمادی آنها و ایجاد التهاب شده و در چنین شرایطی، بروز حرکت‌های اعتراضی دور از انتظار نیست.
 محمد شریفی مقدم، عضو شورای عالی نظام پرستاری با اشاره به قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری که بیش از ۷ سال است به تصویب مجلس رسیده و هنوز اجرایی نشده است، گفت: وزارت بهداشت در حالی، اجرای پایلوت این قانون را مطرح می‌کنند که طرح‌های بدون پشتوانه کارشناسی یک شبه ابلاغ و فردای همان روز اجرا می‌شوند.
 عضو شورای عالی نظام پرستاری، با اشاره اجرای مرحله سوم از طرح تحول نظام سلامت، نسبت به افزایش اختلاف پرداختیها در نظام سلامت به شدت انتقاد کرد و گفت: در این مرحله، درآمد گروه خاصی به شکل قابل توجهی افزایش یافت.

وی با اشاره پیگیریهای مکرر جامعه پرستاری برای اجرای قانون تعرفه گذاری که ۷ سال از تصویب آن می‌گذرد، افزود: متأسفانه تلاش‌های ما به جایی نرسیده و همین امر سبب شده تا پرستاران به شکلهای مختلف، برای اجرایی شدن این قانون تلاش کنند.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مهر ۱۳۹۳

۸۲ حرکت اعتراضی

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

*جمعی از کارگران کارخانه های تهران در اعتراض به حکم شلاق علیه ۴ کارگر پتروشیمی رازی در روز سه شنبه ۱ مهر دست به تجمع در مقابل مجلس زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این تجمع به ابتکار هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی چهل هزار امضای کارگران برگزار شد.

*روز چهارشنبه ۲ مهر کارگران شاغل در شرکت «سانا» در سد داریان شهرستان پاوه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شش ماهه خود، برای دومین روز متوالی دست به اعتصاب زدند. به گزارش گُردپا، شرکت سانا، در حال ساخت نیروگاه برق در سد داریان شهر پاوه است و سال گذشته نیز به دلیل اعتصاب کارگران، ۱۲ کارگر این شرکت از کار اخراج کرده شدند.

*روز جمعه ۴ مهر جمع زیادی از کارگران شهرداری منطقه یک اهواز در اعتراض به ۳ ماه حقوق معوقه در مقابل ساختمان شهرداری منطقه یک اهواز دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، شرکت پیمانکاری «مروارید درخشان» حدود ۲۵۰ کارگر خدماتی در منطقه یک اهواز دارد که پرداخت حقوق آنان سه ماه به تاخیر افتاده است.

*اعتصاب پنج روزه کارگران قطار شهری اهواز

بیش از ۳۰۰ کارگر پیمانی قطار شهری اهواز روز سه شنبه ۱ مهر برای دومین روز متوالی دست از کار کشیده و مقابل ساختمان مرکزی کارگاه قطار شهری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، ۹۰۰ کارگر پیمانی قطار شهری اهواز به تعویق ۵ ماهه حقوق خود معترض بودند.

اعتصاب کارگران قطار شهری اهواز روز پنج شنبه ۳ مهر برای چهارمین روز متوالی ادامه داشت و کارگران در کارگاه مرکزی این پروژه عمرانی تجمع کردند.

همزمان حدود ۱۰۰ کارگر شیفت شب قطار شهری اهواز چهارشنبه شب برای چهارمین شب متوالی دست از کار کشیدند. اعتصاب کارگران در روز شنبه ۵ مهر پس از ۵ روز در پی وعده یکی از مدیران شرکت پیمانکاری مبنی بر پرداخت معوقات کارگران پایان یافت.

حدود ۹۰۰ کارگر پیمانی در قطار شهری اهواز کار می‌کنند که ۴۰۰ تن از آنان در شیفت صبح، ۱۰۰ کارگر در شیفت شب و مابقی کارگران در بخشهای اداری این پروژه عمرانی کار می‌کنند.

*جمعی از پذیرفته شدگان آزمون استخدامی وزارت نفت، روز یکشنبه ۶ مهر با تجمع در مقابل مجلس خواستار بازنگری در افزایش نمره قبولی از ۴۰ به ۶۵ و تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود شدند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان با استناد به ماده ۴ قانون مدنی خواستار رعایت قانون و قاعده حقوقی عطف به ماسبق نشدن قانون شدند.

*اعتصاب و تجمع یازده روزه کارگران معدن زغال سنگ سنگرود

روز سه شنبه ۱ مهر، دومین روز از دور دوم اعتصاب کارگران معدن زغال سنگ سنگرود (البرز غربی) آغاز شد که در آن بیش از ۲۵۰ کارگر مقابل ساختمان اداری این واحد معدنی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، لغو نشدن موضوع انحلال شرکت زغال سنگ البرز غربی با وجود تعهدات قبلی به کارگران و همچنین تعویق ۳ ماه پرداخت حقوق، موجب تشدید اعتراضات کارگران شده است. براساس این گزارش، تعدادی از نمایندگان کارگری برای انتقال خواسته های همکاران شان با سفر به شهر رشت با استاندار گیلان دیدار کردند.

روز شنبه ۵ مهر اعتصاب کارگران معدن زغال سنگ سنگرود برای ششمین روز ادامه پیدا کرد. در روز یکشنبه ۶ مهر کارگران معدن سنگرود در هفتمین روز از شروع اعتصاب شان با سفر به تهران در مقابل ساختمان وزارت کار و در روز دوشنبه ۷ مهر کارگران مقابل ساختمان سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی تجمع کردند. کارگران معدن سنگرود در روز سه‌شنبه ۸ مهر در مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند. سرانجام کارگران اعتصابی پس از چهار روز تجمع اعتراضی در تهران، در روز چهارشنبه ۹ مهر «با دریافت قول مساعد از وزیر صنعت برای بررسی این موضوع در جلسه هیات دولت» به رودبار بازگشتند. نمایندگان کارگران معدن سنگرود صبح روز پنج‌شنبه ۱۰ مهر با معاون سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، مدیر حراست این مجموعه و معاون فنی و درآمد سازمان تامین اجتماعی در تهران تشکیل جلسه دادند. روز یکشنبه ۱۳ مهر، بخشی از مطالبات حقوقی کارگران که مربوط به حقوق تیرماه می‌شد سرانجام پرداخت شد.

*کارگران معترض سازمان پایانه ها و پارک سوارهای غرب تهران صبح روز چهارشنبه ۹ مهر در مقابل ساختمان شورای شهر تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، کارگران با درخواست حراست این نهاد، به داخل ساختمان شماره ۲ شورای شهر وارد شدند.

*بیش از ۵۰۰ کارگر صنعتی کشت و صنعت نیشکر هفت تپه صبح روز چهارشنبه ۹ مهر در اعتراض به پدید آمدن شکاف عمیق حقوقی و مزدی در پی بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل، دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، کارگران اعتصابی می‌گویند طرح جدید طبقه بندی مشاغل به شکاف عمیق حقوقی میان کارگران، کارمندان، سرپرستان کارگاهها و مدیران کارخانه دامن زده و خواهان تجدید نظر کلی در این طرح شدند. روز شنبه ۱۲ مهر، کارگران بخش صنعت داخلی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه بار دیگر تجمعهای اعتراضی خود را در مقابل دفتر امور اداری این واحد اداری از سر گرفتند. روز دوشنبه ۱۴ مهر، مدیرعامل این کارخانه با پذیرفتن اشکالات طرح طبقه بندی مشاغل در این شرکت که نارضایتی شمار زیادی از کارگران را در پی داشت، دستور توقف اجرای این طرح را صادر کرد.

*یک هفته اعتصاب کارگران واگن پارس اراک

حدود ۹۰۰ کارگر واگن پارس اراک روز شنبه ۵ مهر در اعتراض به تعویق سه ماهه حقوق دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، این کارگران در خیابان مجاور محوطه کارخانه تجمع کردند و با سردادن شعارهایی، خواستار استعفای مدیران این واحد تولیدی شدند.

روز یکشنبه ۶ مهر اعتصاب کارگران کارخانه واگن پارس اراک وارد دومین روز خود شد. کارگران اعتصابی در محوطه کارخانه با سردادن شعار «مدیریت حیا کن، کارخانه رو رها کن» به تعویق سه ماهه حقوق اعتراض کردند. سهامدار اصلی کارخانه واگن پارس اراک، قرارگاه خاتم الاوصیاء است و این قرارگاه نظامی، کارفرمای این واحد تولیدی را تعیین می‌کند.

روز دوشنبه ۷ مهر اعتصاب کارگران به سومین روز متوالی وارد شد. در چهارمین روز اعتصاب، کارگران برای به نمایش گذاشتن اعتراض شان نسبت به مذاکرات بی نتیجه، قصد تظاهرات در خارج از محوطه کارخانه را داشتند که اعضای شورای اسلامی کار کارخانه ضمن ایجاد مانع با کارگران خشمگین درگیر شدند.

روز چهارشنبه ۹ مهر، اعتصاب کارگران به پنجمین روز متوالی وارد شد و در روز بعد مدیر داخلی کارخانه واگن پارس در ششمین روز اعتصاب کارگران استعفا داد.

کارگران معترض پیش تر در تجمعات شان با سردادن شعارهایی خواستار استعفای مدیران این واحد تولیدی شده بودند.

روز دوشنبه ۱۴ مهر، کارگران بعد از یک هفته اعتصاب و در پی پرداخت بخشی از مطالبات شان، به اعتصاب خود خاتمه دادند و تولید در این کارخانه در روز چهارشنبه ۱۶ مهر از سر گرفته شد.

*روز دو شنبه ۱۴ مهر کارگران نیروگاه گازی گناوه در استان بوشهر در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای شان در مقابل درب نیروگاه اقدام به تجمع کردند.

به گزارش کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران ضمن ممانعت از ورود مدیران شرکتهای توسعه و بهره برداری، خواستار دریافت مطالبات شان شدند.

*جمعی از کارگران اخراجی پتروشیمی ایلام روز دوشنبه ۱۴ مهر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان در مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران خواستار پرداخت مطالبات قانونی خود که تاکنون چند ماه به تعویق افتاده و پرداخت نشده، شدند. روز چهارشنبه ۱۶ مهر مذاکرات نمایندگان کارگران اخراجی با مدیران میانی این مجموعه و مقامات محلی به نتیجه نرسید.

به گزارش ایلنا، مدیران میانی حاضر در جلسه بر خلاف وعده قبلی کارفرما برای تعهد در قبال امنیت شغلی کارگران مطالب دیگری را طرح کردند.

یکی از کارگران در این باره به ایلنا گفت: اینان می‌خواهند زمان بخرند تا کارگرانی که از ابتدای تابستان حقوق نگرفته‌اند را واردار کنند تحت شرایط ناعادلانه به کار بازگردند یا از ادامه اشتغال در این واحد تولیدی منصرف شوند.

*کارگران ذوب آهن اردبیل در پی بی پاسخ ماندن مطالباتشان، برای دومین بار در سال جاری در روز سه شنبه ۱۵ مهر دست به تجمع اعتراضی مقابل ساختمان استانداری اردبیل زدند. به گزارش مهر، کارخانه ذوب آهن اردبیل به عنوان یکی از واحدهای بزرگ صنعتی این استان که در زمینه تولید آهن و فولاد فعالیت می‌کند، خواستار پرداخت معوقات حقوق و بازگشت به کار هستند.

*جمعی از کارگران پیمانکاری اداره آب و فاضلاب اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه خود در روز سه شنبه ۱۵ مهر در مقابل دفتر شرکت پیمانکاری «پرتو داچک» واقع در خیابان کیان پارس اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، حدود ۳۰۰ کارگر پیمانی آبفای اهواز که از سال گذشته تحت مسئولیت پنج شرکت پیمانکاری «سولار مکانیک»، «اسکله ساز»، «عمران سازان بردیا»، «شباهنگ» و «پرتو داچک» فعالیت می‌کنند هنوز نتوانسته‌اند معوقات حقوقی خود را از این پیمانکاران دریافت کنند.

*روز سه شنبه ۱۵ مهر، حدود ۱۲۰ تن از کارگران خدماتی شهرداری منطقه ۲ اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن بیمه و سنوات و عیدی سال گذشته در مقابل ساختمان شهرداری مرکز واقع در خیابان سپاه اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مسئولان شهرداری اهواز با حضور در جمع کارگران معترض به آنان قول پرداخت مطالبات معوقه شان را دادند.

*روز سه شنبه ۱۵ مهر تعدادی از رانندگان تاکسی در یزد برای دومین روز متوالی در مقابل استانداری یزد تجمع کردند. به گزارش یزد رسا، در این تجمع، رانندگان معترض خواستار رسیدگی به مشکلات خود توسط مسئولان شدند.

*کارگران کارخانه رنگین نخ سمنان در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۱۵ و ۱۶ مهر در محوطه کارخانه تجمع و اعتصاب کردند.

به گزارش ایلنا، کارخانه رنگین نخ که در زمینه رنگرزی نخ و تولید الیاف در شهرک صنعتی شرق سمنان فعالیت دارد به دلیل کمبود نقدینگی، توان پرداخت حقوق کارگران و سایر هزینه های جانبی کارگاه را ندارد و کارگران علاوه بر دستمزد، حقوق جانبی چون سنوات، عیدی، پاداش و بن سال گذشته ۱۳۹۲ را نیز دریافت نکردند.

*روز شنبه ۱۹ مهر کارگران کارخانه صنایع کم مصرف ایرانیان زیر مجموعه کارخانه کنتور سازی ایران در قزوین با تجمع در محوطه کارخانه دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، کارخانه کنتور سازی ایران واقع در استان قزوین از دو کارخانه کنتور سازی و صنایع کم مصرف ایرانیان تشکیل شده که تجمع اعتراضی کارگران به دلیل تعویق سه ماه حقوق ۱۲۰ تن از کارگران صنایع کم مصرف ایرانیان (تولید کننده انواع لامپهای کم مصرف) صورت گرفت.

*به گزارش آذرسلام، روز یکشنبه ۲۰ مهر، دهها تن از کارگران کارخانه دوب آهن اردبیل به علت عقب افتادن حقوق معوقه خود با در دست داشتن پلاکارد هایی اقدام به راهپیمایی از میدان سرچشمه به سمت مصلاهی اردبیل کردند. روز سه شنبه ۲۲ مهر کارگران در مقابل استانداری اردبیل تجمع کردند.

*روز سه شنبه ۲۲ مهر حدود ۳۵۰ تن از کارگران فاز ۱۷ و ۱۸ عسلویه در اعتراض به عدم دریافت حقوقهای معوقه خود از تیرماه ۹۳ تا کنون، دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، با وجود آنکه کارگران بیمه هستند اما هیچ یک از آنها دارای قرارداد کاری نیستند. این حرکت اعتراضی با وعده مسئولان برای رسیدگی به مطالبات کارگران پایان یافت.

*کارگران کارخانه بسته بندی پارس قزوین در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۲۴ و ۲۵ مهر در اعتراض به عدم دریافت مطالبات خود با خاموش کردن دستگاهها، به مدت دو روز تولید را متوقف کردند که با وعده مسئولان اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی این اعتصاب موقتا خاتمه یافت. به گزارش ایلنا، کارگران این کارخانه که با قراردادهای یک ماهه مشغول به کارند، همزمان با تعویق یک ماه دستمزد، حق سنوات ۹ ماه سال گذشته و ۶ ماه سال جاری را دریافت نکردند. روز یکشنبه ۲۷ مهر کارگران شرکت مخابرات استان چهار محال و بختیاری با حضور و تجمع مقابل درب اصلی استانداری چهار محال و بختیاری خواستار اجرای قانون کار سازمان تامین اجتماعی شدند. به گزارش قدس، شرکت مخابرات علاوه بر اینکه حق بیمه کارگزاران مخابرات روستایی را پرداخت نمی کند، در نظر دارد قراردادی با آنها ببندد که در آن دو ساعت در روز به کار اشتغال داشته باشند.

*صبح روز یکشنبه ۲۷ مهر، تعدادی از متقاضیان و ساکنان مسکن مهر شهرستان اسلام آباد غرب در اعتراض به عدم توجه مسئولان به مطالبات شان، در مقابل فرمانداری اسلام آباد غرب تجمع کردند. به گزارش اسلام آباد خبر، معترضان به طور دسته جمعی خواستار ملاقات با فرماندار و رسیدگی به مشکل آنها شدند که با مخالفت ماموران انتظامی حراست فرمانداری مواجه شدند و ضمن هماهنگی با مقام قضائی، ۳ تن از تجمع کنندگان بازداشت شدند.

*روز یکشنبه ۲۷ مهر کارکنان اخراجی شرکت مهندسی و توسعه نفت در مقابل سازمان بازرسی کل کشور تجمع کردند. به گزارش فارس، تجمع کنندگان در قسمتهای مالی، برنامه ریزی و دیگر بخشهای این طرح مشغول به کار بودند.

*به دنبال محقق نشدن وعده پرداخت مطالبات معوقه جمعی از کارگران پیمانکاری فازهای ۱۷ و ۱۸ عسلویه، تعدادی از این کارگران صبح روز دوشنبه ۲۸ مهر دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض در یکی از شرکتهای پیمانکاری برق رسانی پروژه های در حال ساخت فازهای ۱۷ و ۱۸ به نام «گل صافر» مشغول به کارند.

*کارگران لوله و نورد صفا در ساوه از روز شنبه ۲۶ مهر ماه دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارگران ۴ ماه حقوق طلب دارند و ۱۴ ماه بیمه های تامین اجتماعی آنان واریز نگردیده و دفترچه های آنان تمدید اعتبار نشده است. به گزارش ایلنا، در پی اعتصاب و تشدید اعتراضات یکپهزار و ۱۰۰ کارگر نورد و لوله صفا، روز سه شنبه ۲۹ مهر، کارفرما از ورود کارگران به کارخانه ممانعت کرد.

*کارگران معترض مخابرات روستایی با سفر به تهران صبح روز سه شنبه ۲۹ مهر در مقابل ساختمان مجلس تجمع کرده و پس از مدتی ادامه اعتراض شان را در مقابل ساختمان شرکت مخابرات ایران پی گرفتند. به گزارش ایلنا، تصمیم معترضان برای تغییر محل اجتماع، پس از آن صورت گرفت که «علیرضا محبوب» رئیس فراکسیون کارگری مجلس با حضور در جمع کارگران به آنها اطمینان داد که مجلس خواسته های قانونی آنها را پیگیری خواهد کرد.

*روز سه شنبه ۲۹ مهر جمعی از کارگران شاغل و بازنشسته نساجی مازندران در اعتراض به بلا تکلیفی در پرداخت مطالبات شان در مقابل استانداری مازندران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، اعتراض کارگران در واکنش به محقق نشدن وعده مسئولان وزارت خانه های صنعت، معدن و تجارت، اقتصاد و دارایی و همچنین تعدادی از نمایندگان مجلس صورت گرفته است.

*روز چهارشنبه ۳۰ مهر، کارگران معدن آسمنون در رابطه با مشکلات شان دست از کار کشیدند و در معدن تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش فارس، مشکلات این کارگران شامل مسائل بازنشستگی و مرخصی بدون حقوق از سوی آنها مطرح شد که مانع بازنشستگی شان شده است. وی خاطرنشان کرد: در همین راستا مقرر شد، تامین اجتماعی و معدن فاریاب بخش

*سی و شش روز اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا

روز سه شنبه ۱ مهر، اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا وارد هفتمین روز شد. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت؛ دیروز (۳۱ شهریور) در ششمین روز از اعتصاب کارگران این واحد، جمعی از مسئولان شهرستانی در حمایت از کارفرما به کارخانه آمدند و سعی داشتند به نوعی کارگران را متقاعد به ادامه تولید کنند، اما کارگران با پیشنهاد های یک سو به آنان موافقت نکردند. مهم ترین خواسته کارگران این کارخانه پرداخت معوقات حقوقی سال جاری و تضمین امنیت شغلی است.

روز سه شنبه ۸ مهر، کارگران کارخانه کاشی گیلانا در چهاردهمین روز اعتصاب شان خواستار بازگشت به کار دو تن از همکاران اخراجی خود شدند. همزمان با پانزدهمین روز از آغاز اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا، کارگران معترض از موافقت سرپرست موقت این واحد صنعتی برای بازگشت به کار دو کارگر اخراجی خبر دادند.

روز پنجشنبه ۱۰ مهر، در شانزدهمین روز اعتصاب کارگران اعلام کردند؛ در صورتی که راجع به مطالبات معوقه شان تا دوشنبه ۱۴ مهر تصمیمی گرفته نشود، اعتراض خود را به شیوه دیگری ادامه خواهند داد.

روز دوشنبه ۱۴ مهر همزمان با بیستمین روز از شروع اعتراضات، جمعی از کارگران این واحد صنعتی در اعتراض به انباشته شدن حجم مطالبات معوقه خود در مقابل اداره کار منجیل تجمع کردند.

اعتصاب کارگران روز پنجشنبه ۲۴ مهر وارد سی ام روز خود شد. در این روز کارگران شیفت صبح با تجمع در محوطه کارخانه خواستار تسریع در روند پی گیری مطالبات خود شدند. همزمان با سی و ششمین روز از شروع اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا صبح روز چهارشنبه ۳۰ مهر دو نفر از مدیران داخلی این واحد تولیدی به دادگاه رودبار احضار شدند. کارگران اعلام کردند که تا تحقق خواسته هایشان به حرکت اعتراضی ادامه می دهند.

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

تداوم مقاومت مسلحانه و قهرمانانه زنان کوبانی علیه ارتجاع وحشی

گروه تروریستی "دولت اسلامی" (داعش)، از پانزده سپتامبر تا نگارش این مطلب، شهر کوبانی را با انواع تسلیحات سنگین آماج حملات وحشیانه قرار داده و "یگانهای مدافع خلق و مدافع زنان" به رویارویی ستایش انگیزی با آنان پرداخته اند. مقاومت مسلحانه زنان و مردان کوبانی با تسلیحات ابتدایی در مقایسه با انواع تسلیحاتی داعش، تا کنون از اشغال کامل شهر جلوگیری کرده است. یکی از ویژگیهای مقاومت مسلحانه کوبانی حضور و نقش برجسته و بارز زنان نه تنها در صف مقدم، بلکه در مقام فرماندهی، مدیریت و سازماندهی است.

روزنامه "الشرق الاوسط"، ۱۶ اکتبر ۲۰۱۴ می نویسد؛ بیش از پنج هزار زن در یگانهای مدافع خلق دوشادوش رزمندگان مرد در میدان کارزار دفاع از شهر کوبانی می رزمند که تا کنون بیش از ۱۲۰ تن در جریان درگیری با داعش جان خود را از دست داده اند. روحیه انقلابی و سرسختانه این زنان با نامهای پرتوافکنی چون "رهانا"، "نگار حسینی"، "آرین میرکان"، "جیلان اوزلو" و... بارها طی نبردهای پی در پی درخشیده و نه تنها نیروی واپسگرای داعش را با ایثار، جسارت و نبرد ستایش انگیزی تا پای نثار جان



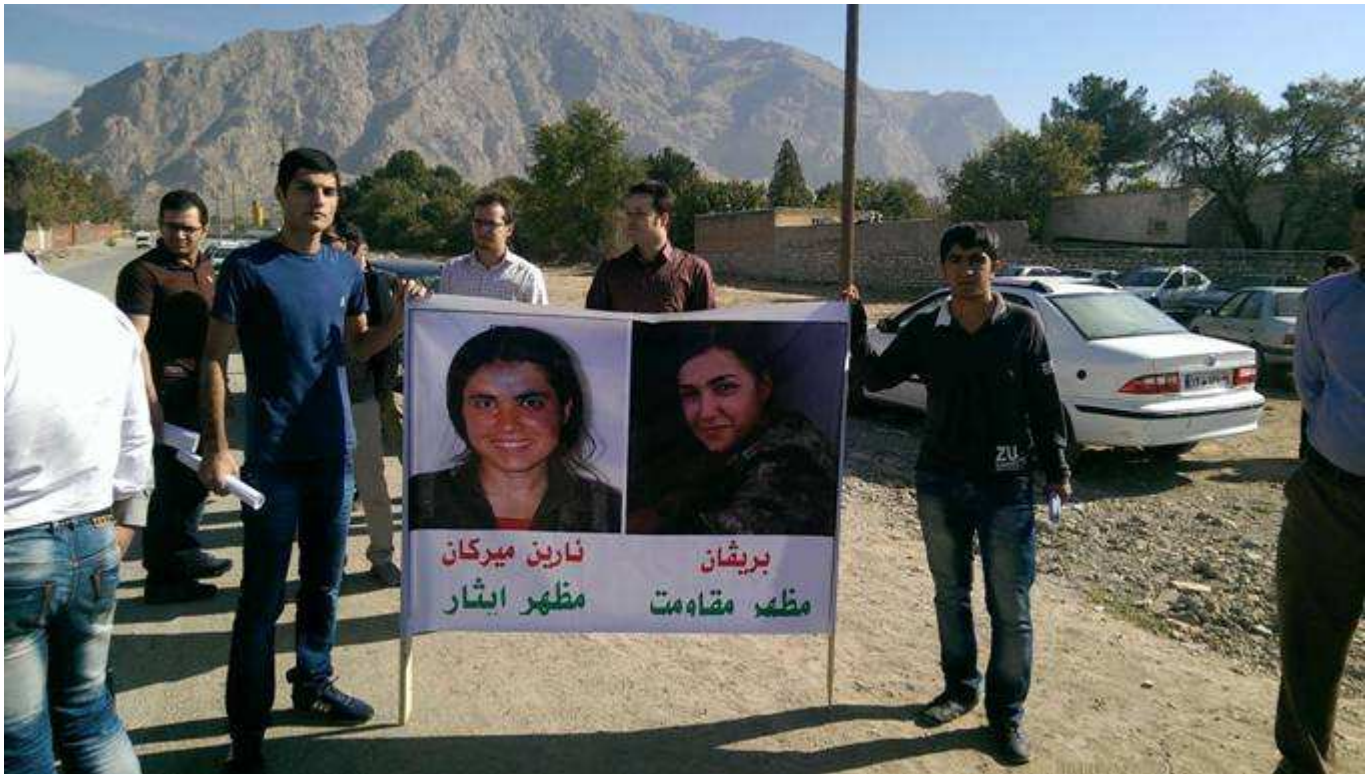
عقب نشانده، بلکه بر تمامی ایدیولوژیهای ارتجاعی و فرهنگ پدر سالاری عصر ما، آنچنان مهر باطلی کوبیده که در غریو عدالت طلبانه "من کوبانی ام" به هزاران زبان و لهجه بازتاب یافته است.

دوپیچه وله در برنامه روز دوشنبه ۲۰ اکتبر در مورد "رهانا" گفت "رهانا نام یک زن کرد است که به قهرمان شبکه های اجتماعی در اینترنت تبدیل شده است. دلیل شهرت او انتشار خبری درباره اوست که می گوید در دفاع از شهر کوبانی موفق به کشتن بیش از ۱۰۰ تن از تروریستهای "دولت اسلامی" شده است. نام "رهانا" برای نخستین بار در تویییتی آمده بود که در تاریخ ۱۳ اکتبر منتشر شد و در دم هزاران بار به اشتراک گذاشته شد. در این تویییت عکس زن جوانی دیده می شود که با اسلحه ای در دست راست و لبخندی بر لب، انگشتان دست چپ خود را به علامت "V" پیروزی نشان می دهد. زیر تصویر این زن نوشته شده: «رهانا بیش از صد نفر از



تروریستهای داعش را در کوبانی کشته و به خاطر شجاعت خود به شهرت رسیده است». چندین زن کرد به خاطر شهامت و عزم نیرومند در مقابله با شبه نظامیان "دولت اسلامی" شهرت یافته اند. این زنان متعلق به سازمان "یگانهای مدافع خلق" (ی پ گ) هستند که در سوریه مبارزه می کند. زنان رزمنده این سازمان به ویژه پس از آن که یکی از آنان با حمله یی انتحاری موجب کشته شدن چند تن از اسلام گرایان افراطی شد، به شهرت رسیدند. "دیلر گنج میز" زنی ۲۰ ساله و مادر دو کودک بود. او با بستن ماده منفجره به خود و دویدن به میان شبه نظامیان "دولت اسلامی" ۲۳ تن از آنان را با خود به کام مرگ کشاند. برآورد می شود که شمار رزمندگان زن کرد در سوریه که در یگانهای ویژه زنان سازمان شبه نظامی کردی

"ی پ گ" مبارزه می کنند، بین ۷ تا ۱۰ هزار تن است. نام این گروه‌های ویژه "یگانهای مدافع خلق زنان" (ی پ جی)



است!"

مقاومت بی نظیر یگانهای مدافع خلق به همراه تمامی مردان و زنانی که از سراسر جهان با تحمل سختیهای بسیار به یاری آنان شتافته اند، از ماهیت ضد استثمار و ضد ارتجاعی برخوردار است. مقاومت مسلحانه کوبانی باوجود دعاوی برخی گرایش‌های ناسیونالیست افراط گرا، رابطه ای مستقیم و دیالکتیکی با قیام آحاد مردم سوریه علیه حکومت خودکامه بشار اسد دارد که حمایت و دفاع قاطع جهانی را طلب می کند.

نیجریه: رقص فعالان حقوق زنان در حمایت از حق بهداشت ارگان تولید مثل

خبرگزاری آفریقا، ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۴ - "حق سلامت و بهداشت ارگان تولید مثل زنان"، موضوعی است که در چارچوب سنن، آداب، رسوم و مذهب بسیاری کشورها "تابو" به شمار می رود و بندرت مورد بحث و گفتگو حتی در میان زنان قرار می گیرد.

با این حال، کمپینهای اعتراضی در این رابطه نظر جهان را به خود جلب نموده است. "صندوق جمعیت سازمان ملل" (UNFPA) به همراه سازمان جهانی کار بر حق سلامت و بهداشت جنسی زنان به عنوان یکی از نخستین معیارهای رعایت حقوق زنان تاکید دارد. این دو سازمان بر دسترسی خانواده ها به امکانات مرتبط با "آموزش مسایل جنسی" و "نارسایی جنسی و دوران یائسگی" تمرکز و بر ارتباط مستقیم سلامت زنان با موقعیت اقتصادی جوامع انگشت می گذارند. رعایت حق سلامت و بهداشت جنسی زنان در کاهش تبعیض جنسیتی و ارتقای موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان نیز موثر است. به همین منظور، شانزدهم ماه سپتامبر هر سال، روز جهانی "دفاع از حق شیوه های حفظ سلامت جنسی زنان" نامگذاری شده که بیش از هر چیز در مسیر آموزش زنان در رابطه با استفاده از امکانات جلوگیری از بارداری مانند "کاندوم" تلاش می کند. در این روز، فعالان حقوق زنان، شهروندان جوامع را از حق سلامت جنسی و بارداری آگاه می سازند. امسال نیز، "ائتلاف نیجریه" و مدافعان حق بهداشت جنسی زنان با رقص و پایکوبی این روز جهانی را برجسته ساختند تا توجه شهروندان کشور نیجریه و جهان را به تاثیر مثبت رعایت حق برخورداری از کاندوم و دیگر شیوه های جلوگیری از بارداری در کاهش ابتلا به بیماریهای جنسی جلب نمایند. مطالبات دو گروه مذکور بطور خلاصه شامل تشویق

و ترغیب شهروندان نیجریه و جهان به مشارکت جدی در جنبش حمایت از حق بهداشت جنسی زنان، جلوگیری از شیوع بیماری ایدز و برپایی مراکز آموزشی خانواده ها پیرامون آمیزش جنسی، تصویب قوانین و اتخاذ سیاستهایی مبتنی بر گسترش تحقیقات در باره راههای جلوگیری از بیماریهای جنسی و... می شود.

بیش از ۳,۴ میلیون از شهروندان نیجریه به ویروس اچ آی وی مبتلا هستند که زنان بیش از ۸۵ درصد آن را تشکیل می دهند. برخی از این زنان، مجرد و بین ۱۵ تا ۴۹ سال سن دارند. سیصد هزار مبتلا به ویروس ایدز تنها در سال گذشته در کشور مربور شناسایی شده اند.

افغانستان: مبارزه روزانه زنان علیه آزار و اذیت

خبرگزاری الجزیره، ۵ اکتبر ۲۰۱۴ - مرکز مربوط به مسایل زنان در "تالقان"، مرکز ولایت "تخار" افغانستان از گستردگی و تشدید آزار و اذیت فیزیکی زنان خبر داد. این واکنش در پی بریدن دستگاه تناسلی خانمی نوزده ساله توسط همسرش، بعد از دو سال آزار و اذیت فیزیکی و جنسی مداوم ابراز گردید که قربانی با حمایت مرکز مزبور موفق به جدایی از مجرم گردید. بر اساس این گزارش، زن یاد شده باوجود از بین رفتن بخش وسیع بیرونی و داخلی دستگاه تناسلی اش با ضربات چاقو و لگد، جهت ثبت قانونی طلاق ملزم به پرداخت بیش از نه هزار دلار آمریکا به خانواده متهم است. همسر وی از اعضای گروههای مسلح وابسته به دولت افغانستان می باشد.

آزار و اذیت فیزیکی، جنسی و روانی زنان توسط همسران دارای سلاح گرم و در استخدام نیروی سرکوبی دولت افغانستان رواج بی سابقه ای یافته است. طبق گزارش مرکز زنان در ولایت تخار افغانستان به خبرگزاری الجزیره، "معضل خشونت علیه زنان طی چهار ماه گذشته شش درصد نسبت به همین مدت در سال گذشته افزایش یافته است".

"خانم جان هندرا"، معاون و نایب رییس مدیر اتخاذ سیاستها و برنامه های بخش زنان سازمان ملل می گوید: "با وجود افزایش هوشیاری و آگاهی عمومی پیرامون حقوق زنان در کشور افغانستان، خشونت علیه زنان هنوز معضلی نگران کننده به شمار می آید که راه تحقق حقوق طبیعی و اولیه آنها را با دشواریهای ژرفی روبرو می سازد."

بیش از ۸۷ درصد زنان در این کشور نوعی خشونت را در زندگی و ۶۲ درصد شکلهای گوناگونی از آن را تجربه کرده اند. فجایع فیزیکی، جنسی و روانی ناشی از اعمال خشونت علیه زنان هنوز به طور دقیق گزارش نمی شود. قربانیان، در روند اجرای عدالت و رسیدگی به امورشان با موانع قضایی بیشماری روبرو می شوند.

کاهش شدید و بی سابقه مشارکت زنان در نیروی کار آمریکا

خبرگزاری مارکت واج، ۳ اکتبر ۲۰۱۴ - میزان مشارکت زنان در نیروی کار کشور آمریکا به طور بی سابقه ای در مدت سی سال اخیر کاهش یافته است. مشارکت زنان کارگر و آنانی که به طور فعال در جستجوی کار هستند، از ۵۶,۹ درصد در ماه آگوست به ۵۶,۷ درصد کاهش یافته که بر پایه آمار دفتر نیروی کار کشور به کمترین نرخ خود از سال ۱۹۸۸ رسیده است.

از دهه پنجاه، شرکت زنان در نیروی کار به طور جدی آغاز شد و نیم قرن بعد به بالاترین میزان، ۶۰,۳ درصد در ماه آوریل ۲۰۰۰ رسید. در مدت زمان مزبور نیز زنان بیشتر در عرصه فعالیتهای غیر حرفه ای و خدماتی مشارکت داشتند. یکی از عوامل ماندگاری زنان جوان در مدارس و دانشگاهها است، به طوری که نرخ مشارکت زنان بین سن ۱۶ تا ۲۴ سال، از ۶۳ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۵۳,۵ درصد تنزل یافت. زنان و دختران جوان، ترجیح می دهند تا هنگام بهبود شرایط اقتصادی و رفع بحران اقتصادی در دانشگاهها بمانند و از کمک هزینه های تحصیلی بهره جویند. علاوه بر این، جوانان در هنگام بحران ساختاری اقتصادی در مقایسه با افرادی که از تجربه کاری بیشتری برخوردارند، دیرتر استخدام و زودتر از شغلشان، اخراج می گردند.

"حفاظت از کودکان" یکی دیگر از دلایل کاهش نرخ مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی در آمریکا است. آمریکا جزو نادر کشورهایی است که هیچگونه دستمزدی برای مادرانی که از فرزندان خویش مراقبت می کنند، در نظر نمی گیرد. این

در حالیست که، سرمایه مورد نیاز سالانه برای سپردن نوزادان به مهدکودک به صورت تمام وقت، از نزدیک به ۵ هزار دلار در میسی سیپی و ۱۷ هزار دلار در ماساچوست، متغیر است. سرمایه چشمگیر مزبور زنان را وادار می سازد تا جهت کاهش هزینه زندگی به محافظت کودکان و کار خانگی بپردازند.

اعتراض زنان سودانی به "بیدادگری" و "افزایش قیمت مواد خوراکی"

رویترا، ۲ اکتبر ۲۰۱۴ - خشم زنان سودانی به دلیل افزایش قیمت مواد غذایی و بیدادگری تحت لوای مذهب اسلام در اعتراضی سراسر جلوه گر شد. قیمت مایحتاجات زندگی از جدا شدن بخش جنوبی سودان که از ۷۵ درصد نفت کشور برخوردار بود، به میزان زیادی افزایش یافته است. بار این افزایش به علاوه تسلط مذهب اسلام بر جامعه و تشدید دخالت در زندگی خصوصی شهروندان، بیش از هر چیز بر شرایط زنان، تأثیر منفی دارد.

"آمیرا آسمان" فعال حقوق زنان، در این رابطه می گوید: "دولت به کنترل تمام اموری که به گونه ای به زنان ربط پیدا می کند، علاقه دارد. زنان به دلایل گوناگون به دادگاه فراخوانده می شوند."

سال ۲۰۱۳، چهل و سه هزار زن در "خارطوم" پایتخت کشور سودان، به دلیل عدم رعایت شئون اخلاقی در مکانهای عمومی، دادگاهی شدند. بر اساس قانون اساسی کشور، زنان و مردان حق رقصیدن با یکدیگر را ندارند، زنان کمتر از ۳۵ سال، حق کار و مدیریت آرایشگاهها و سالنهای زیبایی را ندارند و مردان نیز نمی توانند خیاط زنان باشند. حکم اعدام برای زنان متاهل که با مرد دیگری به آمیزش جنسی مبادرت می ورزند و صد ضربه شلاق برای زنان مجرد، توسط دولت در سال ۱۹۹۱، تصویب شد.

اعتصاب پرسنل پزشکی السالوادر

نیوز استیتمنت، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴ - پرسنل پزشکی به همراه اعضای سندیکای کارگران بخش ارائه خدمات بهداشتی که بخش قابل توجهی از آنان، زن هستند از بیش از نوزده بیمارستان متعلق به شبکه بهداشتی دولتی السالوادر علیه دستمزد ناکافی و بی ثباتی قرارداد کاری، اعتصاب کردند. سی و پنج پزشک در یک هماهنگی با همکارانشان در پانزده بیمارستان، با برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی از عدم دریافت دستمزد و انعقاد قرارداد با کارفرما، اعتراض کردند. معترضان خواستار نشستی با رئیس جمهور کشور جهت پرداخت دستمزد عادلانه به کارگران متخصص که با فروش نیروی فکری خویش، زندگی می گذرانند، شدند.

پاکستان: اعتراض آموزگاران در خیبر پختونخوا

خبرهای کارگری، ۴ اکتبر ۲۰۱۴ - نزدیک به صد تن از آموزگاران مدرسه دولتی "خیبر پختونخوا" واقع در کشور پاکستان با برگزاری تحصنی در سی ام ماه سپتامبر علیه ماموریت اجباری وابسته به کمپین فلج اطفال، اعتراض کردند. بیش از ۱۲۲ تن از آموزگاران معترض، زن هستند که با انجام وظیفه اجباری در کمپین مذکور که فاقد امکانات ضروری و الزامی است، مخالفند.

اعتصاب کارگران صنعت آبرسانی و فاضلاب «تامیل نادو» در هند

اخبار کارگری، ۱۵ اکتبر ۲۰۱۴ - زنان کارگر صنعت آبرسانی و فاضلاب تامیل نادو در هند به همراه همکاران مردشان، با برگزاری تحصن در تاریخ ششم اکتبر بیرون از دفتر مدیریت این صنعت، خواستار ثبات کاری و بهبود شرایط کار شدند. اتحادیه کارگری بخش آبرسانی و تخلیه فاضلاب، از دولت می خواهد تا دستمزد ماهانه کارگران را تا ۲۴۴,۵ دلار آمریکا برابر با ۱۵ هزار روپیه ارتقاء بخشد. علاوه بر این، ۵۰۰ روپیه اضافه دستمزد برای ساعات کار بیش از وقت معین، یونیفورمهای بهداشتی و مناسب کاری و ۳۰۰۰ روپیه دستمزد برای دوران بازنشستگی، مطالبه می کنند.

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- "اگر قرار بر این باشد که هنر ریشه فرهنگ ما را لمس کند، جامعه باید هنرمند را آزاد بگذارد تا بتواند خیال خود را به هر جا که او را می کشاند، ببرد" (جان کندی، ۱۹۶۳- نوامبر ۱۹۱۷، سی و پنجمین رییس جمهور ایالت متحده آمریکا) - جوامع در افول، هیچ استفاده ای برای متفکرین ندارند (آنا نین، ۱۹۷۷- ژانویه ۱۹۰۳) نویسنده داستانهای کوتاه از جمله "پرندگان کوچک" و "دلتای ونوس". او دفتر خاطرات خود را طی ۶۰ سال از ۱۱ سالگی تا روزهای پیش از مرگش نوشت

موسیقی

کنسرت کیتارو، آهنگساز و موسیقی دان ژاپنی در ایران



"کیتارو"، نوازنده و آهنگساز ژاپنی مقیم کالیفرنیا، نخستین اجرای خود را شب ۲۴ مهرماه با همراهی گروهی از نوازندگان خارجی و نیز ارکستری از نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران به صحنه برد. این کنسرت به دلیل استقبال زیاد، پس از ۴ روز اجرا قرار بود یک روز دیگر نیز تمدید شود، اما نیروی انتظامی اجرای آن را لغو کرد. کیتارو که یک آهنگساز سرشناس

است، هرگز در زمینه موسیقی تحصیلات آکادمیک نداشته است. وی به گفته خودش به گوش و احساسات خود اعتماد دارد.

این موسیقیدان ژاپنی، اولین آلبوم خود را در سال ۱۹۷۶ منتشر کرد. "داستان ماه کامل" و "بهشت" از نخستین آلبومهای او هستند. از کیتارو تاکنون ۳۰ آلبوم منتشر شده است. کیتارو پس از همکاری در ساخت موسیقی سریال مستند "جاده ابریشم" به شهرت و محبوبیتی بین المللی دست پیدا کرد. بلیطهای کنسرت کیتارو از ۸۵ هزار تومان تا ۱۹۵ هزار تومان فروخته شد.

مرگ ۱۶ نفر در کنسرتی در سئول

در سانحه ای که در جریان برگزاری یک کنسرت در جنوب سئول، پایتخت کره جنوبی رخ داد، دستکم ۱۶ نفر کشته و ۱۱ زخمی شدند. مقامهای رسمی می گویند که در پی شکستن توری هواکش، گروهی از حاضران در کنسرت با سقوط در عمق حدود ۱۰ متر به داخل محوطه پارکینگ زیرزمینی افتادند.

این کنسرت در فضای باز برگزار می شد و چند گروه موسیقی از جمله گروه کره ای "4minute" در آن اجرا می کردند. حادثه دیدگان روی این توری رفته بودند تا دید بهتری نسبت به صحنه کنسرت داشته باشند. حدود ۷۰۰ نفر در این کنسرت شرکت داشتند که بخشی از یک جشنواره محلی بود. بسیاری می گویند که مقررات مربوط به رعایت ایمنی، با سرعت رشد اقتصادی کره جنوبی سازگاری ندارد.

پانزدهمین جشنواره تئاتر و هنرهای نمایشی ایران در تبعید (گوهر مراد)

انجمن هنر در تبعید اعلام کرد که از ۲۴ اکتبر تا دوم نوامبر، پانزدهمین جشنواره تئاتر و هنرهای نمایشی ایران در تبعید را با هدف گرامیداشت یاد زنان و مردان آزادیخواه جهان و معرفی هنرمندان مهاجر یا تبعیدی از ملیتهای گوناگون برگزار می کند.

تلفنهای جشنواره :

۰۱ ۴۵ ۴۲ ۲۰ ۱۶ / ۰۶ ۰۹ ۱۲ ۶۸ ۰۷

E- mail: contact.artenexil@bbox.fr

Espace Quartier Latin/ 37 rue Tournefort 75005 Paris/Métro : Place Monge , ligne 7

توقیف تاتر "شاخ نبات" از سوی قوه قضاییه



کارگردان تئاتر "شاخ نبات" که بر اساس منظومه "موش و گربه" اثر عبید زاکانی در تالار وحدت تهران اجرا می شد، از توقف این نمایش خبر داده و گفته: "از طریق اداره کل هنرهای نمایشی مطلع شدیم که نمایش از سوی قوه قضاییه توقیف شده و فعلا نمی توانیم روی صحنه برویم."

مهدی شمسایی گفت: "این نمایش با همین متن و بدون هیچ ممیزی سال ۸۹ و در دوران وزارت آقای صفارهرندی روی صحنه رفت و ما فیلم آن اجرا را چندی پیش به اداره

کل هنرهای نمایشی وزارت ارشاد دادیم تا مجوز اجرای مجدد کار را بگیریم که در نهایت این مجوز هم صادر شد و ما کار را روی صحنه بردیم. از همان ابتدا که اجرا شروع شد، نکاتی از سوی اداره کل هنرهای نمایشی به ما اعلام می شد که ما آنها را در طول اجرا اعمال می کردیم."

مهدی شمسایی که پیشتر کارگردانی تاترهای "شیخ صنعان" و "کنیزک من" را بر عهده داشته، گفته است: "من از وزارت ارشاد انتظار دارم که یا مجوز ندهد یا از مجوزهایش دفاع کند."

کتاب و انتشارات

"شازده کوچولو" با ترجمه جدید



"شازده کوچولو" با ترجمه "رضا طاهری" وارد بازار کتاب می شود. این کتاب برای اولین بار نسخه رحلی داستان دیرآشنای "شازده کوچولو" را در جلد سخت در دسترس مخاطبان قرار می دهد.

ابوالقاسم فیض آبادی، مدیر مسوول انتشارات "نخستین" همچنین اظهار داشت: "مجموعه شعرهای "نزار قبانی" با ترجمه "رضا طاهری" در هفته دیگر از دریچه انتشارات "نخستین" منتشر می شود."

"شازده کوچولو" پیشتر نیز ترجمه شده و مترجمانی مانند محمدقاضی و ابوالحسن نجفی آن را به بازار داده اند. مشهورترین ترجمه این اثر متعلق به احمد شاملو است. شاملو همچنین کتاب گویا (صوتی) آن را نیز در سال ۱۳۵۹ با موسیقی متن از "گوستاو مالر" منتشر کرد.

جایزه ادبی بوکر



جایزه ادبی بوکر (۲۰۱۴)، یک جایزه ادبی انگلیسی، به "ریچارد فلاناگان"، نویسنده استرالیایی زاده "تاسمانی"، برای رمانی به عنوان "جاده باریک به عمق شمال" تعلق گرفت.

ریچارد فلاناگان، حدود ۱۲ سال وقت صرف نوشتن آخرین رمان خود کرده و سرانجام آن را با پنج بار بازنویسی به پایان رسانده. رمان برنده بوکر ۲۰۱۴ روایت گر ماجرای عاشقانه ای است که

در جنگ جهانی دوم و در زمان احداث خط آهن بین تایلند و برمه اتفاق می افتد.

"جاده باریک به عمق شمال" که جایزه نقدی ۵۰ هزار پوندی را هم برای ریچارد فلاناگان به ارمغان آورده، ششمین رمان این نویسنده استرالیایی است.

امسال برای اولین بار نویسندگان آمریکایی نیز اجازه یافته بودند برای دستیابی به این جایزه معتبر رقابت کنند، با این حال دو نویسنده آمریکایی یعنی "جاشوا فریس" و "کارن جوی فاولر" که به فهرست نامزدهای بوکر ۲۰۱۴ راه یافته بودند، دست خالی به خانه رفتند.

انتشار چهارمین شماره پیام آور سندیکا (انگلیسی)

به گزارش روابط عمومی "سندیکای کارگران فلزکارمکانیک"، چهارمین شماره نشریه "پیام آور سندیکا"، نشریه انگلیسی زبان "پیام سندیکا"، منتشر شد.

در این شماره، پیام تبریک چهارمین سال انتشار نشریه، اعتصاب کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، اعتصاب صدها نفر از کارگران روزمزد مجتمع نیشکر هفت تپه، مصاحبه ناصر آقاجاری با ایلنا، مقاله "چگونه دستورالعملهای صندوق بین المللی پول در کشور ما اجرا می شود"، نوشته رضا کارشناسان، گزارش کارگر فلزکار "وقتی مدیران دولتی خود به دلالت تبدیل می شوند"، در خطر بودن جان بهنام ابراهیم زاده و فراخوان به تلاش برای نجات او و نامه دبیر کل سندیکای معلمان انگلستان به روحانی در رابطه با بهنام ابراهیم زاده درج شده است.

<http://felezkar.com/1393/07/25/633/#comment-14>

سینما

"لویاتان" بهترین فیلم پنجاه و هشتمین دوره جشنواره فیلم لندن شد



در پنجاه و هشتمین دوره جشنواره فیلم لندن، فیلم "لویاتان"، ساخته "آندری زویاگینتسف"، محصول روسیه جایزه بهترین فیلم را دریافت کرد. لویاتان، داستان مردی است که در شهری کوچک بر سر زمینی که مالک آن است با شهردار فاسد درگیر می شود.

زویاگینتسف این فیلم را بر اساس رمانی با همین نام نوشته "توماس هابز" ساخته است. این فیلم که در جشنواره فیلم کن جایزه بهترین فیلمنامه را دریافت کرده بود، به عنوان نماینده روسیه به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی (اسکار) معرفی شده است.

در این دوره فیلم "آب نقره ای" از سوریه که جنگ داخلی در این کشور از جمله تصرف شهر "حمص" را به تصویر می کشد، جایزه بهترین مستند را دریافت کرد. فیلم "قبیله"، محصول سینمای اوکراین نیز جایزه بهترین فیلم اول را به دست آورد.

جایزه بهترین تازه وارد به "ثمینه جبین احمد" برای بازی در فیلم "پدر، مرا بگیر" اهدا شد. این بازیگر بریتانیایی نقش لیلا، دختری پاکستانی را بازی می کند که برای زندگی با دوست پسرش از خانه پدری می گریزد. تازه ترین ساخته های فیلمسازان ایرانی چون رخشان بنی اعتماد، محسن مخملباف، سودابه مرتضایی، دزیره اخوان و لیلی امیرپور از جمله فیلمهای به نمایش در آمده بود. پنجاه و هشتمین دوره جشنواره فیلم لندن، با نمایش فیلم "فیوری" (Fury) با بازی "برد پیت" که داستان آن در خلال جنگ جهانی دوم می گذرد، به کار خود پایان داد.

عکاسی

عکاس پرتره معروف چه گوارا



"رنه بوری"، یکی از بزرگترین عکاسهای قرن ۲۰ میلادی درگذشت. او سال ۱۹۶۳ زمانی که سی ساله بود، با ثبت پرتره مردی انقلابی با سیگاری بر گوشه لب و نگاهی تحقیر آمیز، به شهرتی جهانی رسید. سوژه این پرتره چه گوارا، انقلابی مشهور آمریکای لاتین بود.

رنه بوری آن زمان با ماموریت یک مجله آمریکایی به کوبا سفر کرده بود تا پرتره ای از وزیر صنایع و مدیر بانک ملی کوبا تهیه کند. او بعدها، سال ۲۰۰۸ میلادی در مصاحبه ای گفت چه گوارا در تمام مدت عکاسی به او بی اعتنایی کرده بود. او برای پرتره ای که از چه گوارا گرفت، پول چندانی دریافت نکرد.

رنه بوری در آغاز فعالیت حرفه ای خود برای تهیه مجموعه عکسهای خبری به عراق، سوریه، برزیل و ژاپن سفر کرد و سپس با پرتره شخصیتهای مشهور، از جمله پابلو پیکاسو و آلبرتو جیاکومتی نام آور شد. عکسهای بوری در تمام مجلات مشهور دنیا به چاپ رسیده اند.

زندگی چه زیباست
 زندگی وه که چه زیباست، ولی
 لرزان است
 همچو یک قطره شبنم
 به تن سرد چمن
 دل بر این قطره میند
 لحظه ای بیش از او نیست خبر
 خیز و در وسعت خلق
 دل به دریای جسارت بسپار
 زره جنگ با دشمن او
 بر تن از روی شجاعت بسپار
 در سکوتی خفتن
 یا که دل در گرو بی عملی بستن و
 هی مُفت گفتن،
 چنگ بر قامت وجدان
 نیش بر قلب حقیقت،
 چون غبار
 چهره پاک شرف پوشاندن
 به خدا نیست هنر!
 خیز و در هیات خلق
 بهر "بودن" بشتاب
 زندگی وه چه زیباست، اگر
 همچو رود
 جاری دریا باشد

امیر کارگر

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و

جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

گذری کوتاه در چند و چون سورالیسم

م . وحیدی

اساس مکتب سورالیسم را، هیجان‌ات فکری و درونی انسان، اوهام، تداعیها، ابهامات تنگ و باریک، بدعتها و تازگی الفاظ تشکیل می دهد.

جهان بینی سورالیسم، پس از جنگ جهانی اول و انهدام مکتب مخرب دادایسم (که بیشتر مایه و پایه فلسفی داشته و بر انکار ارزشهای انسانی و نفی جهان تاکید می کرد) در سال ۱۹۲۲ در فرانسه پدید آمد. دورانی که مکاتب و سبکها، تضاد در دیدگاهها و حرفهای تازه، در میان نویسندگان، شاعران و هنرمندان بوجود آمده بود. دیدگاههایی که در مجموع به دو قسمت تقسیم می شدند، دیدگاههای آرمانی و دیدگاههای بیهوده و پوچ.

آراگون، آندره برتون، رمبو، فیلیپ سوپو، پل الوار و... از بنیان و ایدیولوگهای این مکتب بشمار می رفتند. اینان سوسیالیستهای انقلابی ای بودند که با تاثیر از انقلاب اکتبر شوروی و به دور از هرگونه فلسفه بافی، عقاید و نظریاتشان را، با هدف نزدیکی هر چه بیشتر انسانها به یکدیگر، در "مجله ادبیات" و "مجله سورالیستی" که خود منتشر می کردند، منعکس و بیان می ساختند. بعدها، نوشته ها و اشعار آنان تاثیر قابل توجهی در شاعران هم عصرشان در فرانسه و شعر جهان گذاشت. جنبش سورالیسم، حاصل تغییرات ژرف در شعور هنری - اجتماعی بورژوازی بود که ایده جهان برتر را، از امکان، به پهنه واقعیت می کشاند.

این جنبش، نه از عقل که از روح و روان و تخیل آدمی سرچشمه گرفته و علیه قراردادهای، قواعد و قوانین دست و پا گیر تصنعی کهن، سر به شورش زده و تلاش دارد انسان را، از بندها و قیود خویش رها نموده، تا در برابر واقعیت زشتی که درپیش رویش است، طغیان کند. همچنین، با کنار گذاشتن موانع و محدودیتهای فکری از پیش پای هنرمند، او را در جهان لاشعور خود قرار می دهد.

جهان لاشعوری که در نگاه اول، روال منطقی نداشته و مبتنی بر ایماژهای ذهنی، خودبه خودی و غیر ارادی است. سورالیسم تاثیر سحر انگیز خود را، در تمامی عرصه های هنر، از جمله داستاننویسی، نقاشی، موسیقی، تاتر، سینما و...برجا گذاشته و به عنوان نهضتی خلاق و پیشرو به پیش می تازد. این مکتب، زبان ذهن آدمی است و رویا و خواب در آن، به صورت موضوع اصلی در می آید.

به گفته "رمبو"، در واقع آنچه که هنرمند در درونش می گذرد و آن را اصلی و ناب می داند، ترسیم می کند. انکشاف و پرداختن به رویا، نوشتن بدون تفکر و در آمیختن آنها با هم، وسایلی هستند که هنرمند برای خلق اثر خود به خدمت می گیرد و این غایت فعالیت ذهن انسانی و هنری است.

"برتون"، سورالیسم را جریان واقعی عمل تفکر، که بوسیله زبان و قلم، بدون دانستن قوانین زیبایی شناسانه بیان می شود، عنوان می کند. جستجو و دست یافتن به "واقعیت برتر" و "ضمیر پنهان" برای خلق معانی مجازی و صور ذهنی و مفهوم عمیق شعر، به شاعر توانایی می دهد تا دنیای تازه تری را خلق کند. دنیایی آزاد و بدون قید و بند و عاری از تقلید قوانین حاکم و جاری که هر سدی را کنار زده و پیش می تازد. در این سبک، تماس با جهان احساسات، ضرورت کار هنرمند به خصوص شاعر است که با کشف و بکار بردن روند حقیقی تفکر و در هم ریختن و آمیزش چند چیز، یا همه چیز، اهداف خلاقه هنری را بارز و نمایان می کند و در نتیجه وارد دنیای دومی می شود که آرمان هنرمند در آن جای گرفته است، دنیایی که انسان حاکمیت خود را از دست می دهد و ژرفترین پندارها و هیجان‌ات خود را منعکس و بازگو می کند. این همان "واقعیت برتر" و نوینی است که هرپدیده، هویت وجودی خود را در میان اشیا از دست می دهد و یا بگفته "آراگون"، "واقعیت را تخریب می کند" و ساختمانی دیگر از آن بنا می سازد.

از دیگر وظایف سورالیسم، اسارت در چنگال خیال و تحلیل امور تا حد جنون در واقعیت برتر است که شاعر نهایتاً دنیا و همه پدیده های آن را شعر می بیند.

پس از تولد حدود یک قرن از این مکتب، سورالیسم جایگاه ارزشمند خود را همچنان حفظ نموده و ارزنده ترین آثار هنری جهان را خلق می کند.

کنفرانس در پاریس به مناسبت صدور منع تعقیب علیه مقاومت ایران در فرانسه



روز چهارشنبه ۲ مهرماه، در یک کنفرانس بزرگ در پاریس که به مناسبت لغو پرونده قضایی علیه مقاومت ایران در فرانسه برگزار شد، مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت فروپاشیدن این پرونده را پیروزی عدالت و مقاومت و شکست کارزار شیطان سازی و موفقیتی برای تمام بشریت به ستوه آمده از استبداد و بنیادگرایی خواند. وی گفت: در این پرونده قضاییه فرانسه آلت دست رژیم ملایان قرار گرفته بود. اما اکنون به قول هانری لولکر

«دادگستری فرانسه نشان داد که می‌تواند از کرنش در برابر ملاحظات سیاسی پرهیز کند»، وقت آن است که سیاست و دیپلوماسی و نهادهای اطلاعاتی نیز خود را از مسمومیت به ولایت فقیه نجات دهند. زمان آن است که قاطعیت نشان دهند و شبکه ماموران رژیم و شرکتهای پوششی سپاه پاسداران را از فرانسه و تمام اروپا برچینند.

تمامی اتهامهای این پرونده قضایی علیه مقاومت ایران در فرانسه که از ۱۴ سال قبل جریان داشت، هفته گذشته در یک حکم تاریخی توسط قضات فرانسوی لغو شد و این پرونده که بنا بر گفته وکلا و متخصصان حقوقی از طولانی ترین پرونده های قضایی تاریخ معاصر فرانسه است، برای همیشه مختومه شد.

در این کنفرانس شمار کثیری از شخصیتهای سیاسی و برجسته ترین حقوقدانان فرانسوی و هیأت وکلای این پرونده شرکت داشتند. رجوی گفت: جرم کسانی که یک پرونده خالی را در زدو بند با ملایان برای انهدام مقاومت ایران گشودند، فقط نقض قانون و تخطئه عدالت یا سوء استفاده از قضاییه نیست، بلکه جرم اصلی باز کردن راه برای دیو بنیادگرایی است. وی تاکید کرد: اشتباه مهلک سیاست فرانسه و دولتهای غرب در سالهای گذشته انحراف فاجعه بار مبارزه ضد تروریستی را به دنبال داشت. رشد و ظهور گروههای افراطی نظیر داعش به این دلیل است که دولتهای غرب به مماشات طولانی با پدرخوانده داعش یعنی رژیم ولایت فقیه پرداختند.

ساختن پروندههای خالی و بی اعتبار علیه مقاومت ایران که آنتی تز و آلترناتیو مؤثر بنیادگرایی است، دادن مهم ترین مشوق به رژیمی بود که در سه دهه گذشته یکسره بذر القاعده و داعش و... را در تمام خاورمیانه و آفریقا به ویژه عراق، سوریه، لبنان، و یمن پاشیده است.

در این جلسه پیام هانری لولکر، حقوقدان برجسته فرانسوی و وکیل خانم مریم رجوی به جلسه پخش شد و آلو ویدال کوادراس، نایب رئیس پیشین اتحادیه اروپا؛ ژیلبرت میتران، رئیس بنیاد فرانس لیبرته - بنیاد دانیل میتران، وکیلان برجسته یی چون ویلیام بوردون، پاتریک بودوئن، ژان پیر اسپیتزر، برنارد دارتویل، ماری لور باره، ناتالی سنیک، همچنین آقایان سید احمد غزالی، نخست وزیر سابق الجزایر؛ آلن ویوین، وزیر سابق؛ استاندار افتخاری ایو بونه رئیس سابق داس ت؛ ژان پیر بکه، عضو شورای استان والدواز، و ژان پیر مولر، به نمایندگی از سوی شهرداران، اینگرید بتانکور، کاندیدای سابق ریاست جمهوری کلمبیا، قاضی فرانسوا کلکومبه، بنیانگذار مشترک کمیته فرانسوی برای ایران دموکراتیک، کریستین اوکران، خبرنگار و مفسر؛ و ژان پیر برار، نماینده سابق مجلس ملی فرانسه، آن ماری لیزن، رئیس افتخاری سنای بلژیک؛ پیر برسی، رئیس سازمان حقوق بشر نوین سخنرانی کردند. تعدادی از قربانیان، شهود و کسانی که به نوعی تحت تأثیر بی عدالتی ناشی از این معاملات پشت پرده قرار گرفتند نیز در این کنفرانس به سخنرانی پرداختند.

رجوی در بخش دیگری از سخنان خود ضمن استقبال از اینکه فرانسه برای رفع بحران عراق و مقابله با داعش پیشقدم شده، به طرفهایی که بر سهیم کردن رژیم ایران اصرار می ورزند، هشدار داد: این افتادن به دام ملاحاست و به جای مهار بحران عراق، جنگ شیعه - سنی را دامن می زند و سلطه رژیم در عراق را بازسازی می کند. آنتی تز ولایت فقیه و بنیادگرایی و بربریت برخاسته از آن، اسلام دموکراتیک است که توسط مجاهدین خلق ایران نمایندگی می شود. اسلامی

بردبار که با اجبار و ارباب و سربریدن و استبداد بیگانه است و بر آن برمی شورد. اسلامی که پیامش برادری، آزادی، رحمت و عدالت است.

رجوی از دولت فرانسه خواست که رهبری یک ابتکار عمل انسانی به منظور تامین حداقلهای ضروری برای تضمین امنیت و سلامت مجاهدان آزادی در لیبرتی را تا زمان انتقال تمامی آنها به خارج عراق به عهده گیرد. وی از دولت فرانسه خواست از لغو کامل محاصره ضد انسانی لیبرتی به ویژه محاصره پزشکی و خاتمه یافتن وضعیت زندان در لیبرتی همچنین به رسمیت شناخته شدن این کمپ که زندانی بیش نیست، به عنوان کمپ پناهندگی تحت نظارت ملل متحد حمایت کند. وی گفت مردم ایران می‌خواهند فرانسه با آنها باشد، نه با استبداد مذهبی.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - ۲ مهر ۱۳۹۳ (۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴)

سابقه امر:

روز ۲۵ شهریور ۱۳۹۳ قاضی تحقیق ضد تروریسم دادسرای پاریس با صدور دستور منع تعقیب، پرونده یی را که از ۱۴ سال پیش در زدوبند با رژیم آخوندی برای منهدم کردن مقاومت ایران گشوده شده بود برای همیشه مختومه کرد. این پرونده که با اتهام مسخره تروریسم و تأمین مالی تروریسم شروع شد، در قدمهای بعد در فقدان هرگونه سند در مورد تروریسم به اتهامات مالی مانند پولشویی و تقلب منحرف شد. قضاییه فرانسه به رغم پمپاژ شهادتهای دروغ و سیلی از اطلاعات ساختگی ارائه شده توسط وزارت اطلاعات رژیم ایران، با تصریح بر اینکه برای اتهامهای مالی نیز هیچ دلیلی وجود ندارد، بر کلیه اتهامها علیه مقاومت ایران مهر بطلان زد.

۱۳۰۰ پلیس در روز ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، به بهانه تروریسم به دفاتر شورای ملی مقاومت و منازل خانواده های شهیدان حمله کردند و به دستگیری ۱۶۴ تن از مسئولان و اعضا و هواداران مقاومت، تخریب اموال و اماکن مقاومت، ضرب و جرح افراد حتی پدران و مادران سالخورده و ضبط اموال مقاومت و افراد دست زدند. این حمله به تبعید بسیاری از پناهندگان و کنترلهای قضایی سنگین منجر شد.

این حمله در سفر وزیر خارجه وقت فرانسه به تهران برنامه ریزی شده بود و یک قرارداد تجاری بزرگ بین رژیم ایران و فرانسه در مه ۲۰۰۳ پشتوانه آن بود. ارگانهای مختلف رژیم ایران از جمله وزارت خارجه، وزارت اطلاعات و سفارت ملایان در ارتباط تنگاتنگ با سرویسهای فرانسوی به پرونده سازی پرداختند و رئیس جمهور رژیم هزینه کلان آن را تأمین می‌کرد. اما به رغم گستردگی این توطئه از جمله به کارگیری ماموران اطلاعات رژیم به عنوان شاهد توسط قضاییه فرانسه، برای آن که مقاومت را به سکت، تروریسم، سرکوب کردها و شیعیان در عراق، پولشویی، اختلاس و شکنجه و قتل اعضای خود متهم کنند، قضاییه فرانسه دستور منع تعقیب، این پرونده را صادر کرد و یک بار دیگر اثبات شد که تمامی دعاوی این رژیم علیه مقاومت که در طول سه دهه بلاوقفه و با هزینه های کلان و از طریق مزدوران و لابیهای رنگ و وارنگ خود در سراسر جهان به ویژه در اروپا و آمریکا پمپاژ می‌کند، مطلقاً دروغ است.

قاضی تحقیق در نفی اتهام تروریسم علیه سازمان مجاهدین تصریح می‌کند: «باید گفت که شورای ملی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتش آزادیبخش ملی ایران همگی یک تشکل جمعی را تشکیل می‌دهند که هدف آن سرنگون کردن رژیم حاکم بر ایران است» وی سپس تأکید می‌کند: بر اساس «تحقیقات قضایی» شیوه های مقاومت برای رسیدن به این هدف «یا سیاسی بوده اند (مانند تبلیغات، جلب توجهات، لابی کردن، استفاده از اهرمهای مختلف)»، یا «با استفاده از یک ارتش واقعی، ارتش آزادیبخش ملی ایران» و «یا دربرگیرنده عملیات نظامی داخل ایران است که توسط سازمان مجاهدین خلق ایران به عهده گرفته شده است» و «در پرونده سندی دال بر عمل مسلحانه یی که غیر نظامیان را به طور عمدی مورد هدف قرار داده باشد، وجود ندارد». قاضی می‌افزاید: داده های پرونده «اجازه نمی‌دهد تهاجمات نظامی با اعمال تروریستی یکی محسوب شود. در حقوق فرانسه یک تهاجم نظامی که منجر به نبرد مسلحانه میان نظامیان شود، نمی‌تواند به عنوان تروریسم توصیف شود».

روحانی در حیاط خلوت ولی فقیه

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲ مهر

با سفر حُجت الاسلام روحانی به نیویورک و حضور در یک صحنه پُررفت و آمد بین المللی، تضاد دیرینه باندهای قُدرت پیرامون بندوبست خارجی که آن را "رابطه با آمریکا" می نامند، سر باز کرده است.

باند ولی فقیه به گونه آشکار نگران گشوده شدن یک کانال مُستقل ارتباط با کاخ سفید از جانب جناح میانه حکومت و ایجاد مُناسباتی بین دو طرف است که وی در فقط در حاشیه آن حضور داشته باشد. این یک دلواپسی تاریخی است که عناصر و دسته بندیهای دستگاه قُدرت جمهوری اسلامی را در دوره های گوناگون همراهی کرده و به نوبه خود سهم به سزایی در تشدید تیرگی مُناسبات آن با طرفهای خارجی اش ایفا کرده است.

ژرفایی که تضاد مزبور در دوره حاضر یافته است را می توان از تهدید آقای روحانی به برکناری از طریق "طرح عدم کفایت سیاسی" وی در مجلس دریافت که از زبان یک تشکُل خلق الساعه باند آقای خامنه ای به نام "کُمیته صیانت از منافع ایران" به میان آورده شده است.

با این حال خط و نشان مزبور بیشتر از آنکه نشانه ای از توان بازدارندگی و مانور این باند به شمار بیاید، ضعف و قرار گرفتن آن در تنگنا را گواهی می کند. توسل "قهرمانانه" باند آقای خامنه ای به باند رقیب برای رهایی از فشار تحریمهای فلج کننده بین المللی، به ناگزیر درب را به روی آن برای ورود به حیاط خلوت سیاست خارجی گشوده است.

در این نقطه دو سیاست به گونه گریز ناپذیری در برابر یکدیگر قرار می گیرند؛ باند غالب در پی استفاده از رُقا برای چیرگی بر بحران سیاسی و اقتصادی است و در مُقابل، جناح میانه نیز تلاش می کند از شرایط حاضر بهترین بهره وری را در جهت بهبود موقعیت خود در هیرارشی قُدرت ببرد. این به معنای درخواست شرایط برابر برای حرکت در پهنه سیاست خارجی نیز می شود.

تاکنون آقای خامنه ای و همدستانش امتیاز کلیدی رابطه با آمریکا را به گونه انحصاری در اختیار داشته و آن را بنا به منافع خویش هدایت کرده اند. فرستادگان رهبر باند ولی فقیه در پستوهای چارگوشه جهان دیپلماسی مخفی به دیدار پایوران آمریکایی رفته اند و یا وی با واسطه های کاخ سفید در اندرونی اش پالوده خورده است.

مُکالمه تلفنی حُجت الاسلام روحانی با آقای اوباما در سال گذشته، نشانه های شکل گیری توازن جدید در شکارگاه اختصاصی باند ولی فقیه را به نمایش گذاشت. از این رو، دیدار یا عدم دیدار آقای روحانی با رییس جمهور آمریکا در سفر اخیرش به نیویورک فقط می تواند بر شتاب روند به حرکت درآمده تاثیر بگذارد، در قطعیت آن اما تغییری نمی دهد.

پس از یک دوره هشت ساله سکون، سیاست خارجی به گونه نیرومندی به سطح سایش تضادهای درونی حاکمان ایران افزوده می شود و همراه با آن دوران تازه ای از کوششهای قانونی و غیرقانونی برای خُنثی سازی یکدیگر سر بر می کشد.

سیاست افزایش جمعیت همراه با بیکار سازی زنان

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر دوشنبه ۷ مهر

تبعیض در مورد نیروی کار زنان علاوه بر نابرابری دستمزد با مردان، حجاب اجباری، محدود بودن رمینه های شغل، از طریق سیاست افزایش جمعیت و رشد فرهنگ ارتجاعی ضد زن اعمال می شود. سیاست افزایش جمعیت علاوه بر محروم کردن زنان از امکانات بهداشتی در جلوگیری از بارداری ناخواسته، موقعیت اجتماعی آنها را مورد حمله قرار داده است. برآمد افزایش جمعیت اجباری، ناامنی شغل و بیکار سازی زنان در ابعادی گسترده است.

مرکز آمار رژیم از خارج شدن سالانه بیش از ۱۰۰ هزار زن از بازار کار خبر می دهد. اگر چه بیکار سازی و تعطیلی واحدهای تولیدی شامل مرد و زنان می شود، اما زنان به دلیل موقعیت جنسیتی شان سهم بیشتری می رسد. داده های آماری مرکز آمار در مورد بیکار سازی زنان در ابعاد گسترده یک فاجعه برای موقعیت نیروی کار زنان است.

بنیادگرای اسلامی حاکم بر ایران اگر در مورد ورود زنان به مدارج عالی تحصیلی شکست خورده اند، اما با سیاست افزایش جمعیت و اقدامات تنبیهی برای خاطیان، از راه دیگری برای شکستن اراده زنان به منظور مداخله در امور اجتماعی وارد شده اند. داده های آماری بر ناامنی شغلی زنان به دنبال این سیاستها گواهی می دهد.

یک کارشناس کار آفرینی زنان در گفتگو با خبرگزاری حکومتی ایلنا (۵ مهر) در مورد داده های مرکز آمار مبنی بر خروج سالانه ۱۰۰ هزار زن از بازار کار می گوید: «کارفرمایان ترجیح می دهند زنان جوان مجرد را استخدام نکنند، زیرا احتمال می رود نیروی کار زن مجرد، بعد از کسب آموزش و تجربه لازم ازدواج کند و پس از ازدواج، همسرش به او اجازه کار کردن ندهد.»

قبلا معاون تامین اجتماعی در فروردین سال جاری گفت که؛ یک سوم زنان پس از بازگشت از مرخصی زایمان اخراج می شوند. طرحهایی مانند کاهش ساعات کار زنان، ممنوعیت کار شبانه برای زنان، ۶ ماهه کردن مرخصی زایمان و... که در ظاهر برای سلامتی زنان و تقدس خانواده مطرح می شود، ابزارهای ضد زن و برای نهادیه کردن تبعیض جنسیتی در همه زمینه ها است. حکومت ملایان از تمامی شیوه ها برای کشاندن زنان به پستوهای خانه و دادن نقش باروری به آنها به عنوان وظیفه اصلی استفاده می کند. اما مقاومت زنان در همه ابعاد همچنان به عنوان یک تهدید جدی، لرزه بر اندام مرتجعان حاکم می اندازد.

تکرار فاجعه "شین آباد" و تهدید امنیت ملیونها دانش آموز

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر دوشنبه ۱۴ مهر

از مشخصات خلافت اسلامی در ایران که ولی آن علی خامنه ای است، این است که برای جان انسانها ارزش قایل نیست و سرمایه های کشور را برای تامین و تضمین امنیت نظام هزینه می کند. این روزها این خبر که رژیم ولایت فقیه می خواهد به ارتش لبنان اسلحه دهد با واکنشهای زیادی روبرو شده است. هزینه های رژیم در خارج از مرزهای ایران همگی در چارچوب مساله «عمق امنیت استراتژیک» ولایت فقیه، البته از جیب مردم ایران پرداخت می شود. در مقابل مردم ایران در تمامی زمینه ها، امنیت اولیه ندارند.

به گزارش ایرنا در روز شنبه ۱۲ مهر وزیر آموزش و پرورش دولت روحانی اعتراف کرد که "یک سوم مدارس کشور، استانداردهای لازم را ندارند و نیاز به بازسازی و تعمیر و برخی نیز نیاز به تخریب دارند". این یک نمونه از "عدم امنیت" و "عمق استراتژیک" فاجعه ای است که ملیونها دانش آموز را تهدید می کند.

فاجعه دانش آموزان شین آباد را همه به خاطر دارند و اکنون پس از سالها که از آن می گذرد هنوز قربانیان آن آتش سوزی با رنجهای بی شمار زندگی می کنند و صدای اعتراض در نعره های عوامفریبانه پایوران حکومت محو می شود. در ماه گذشته روزنامه شرق در شماره روز یکشنبه ۹ شهریور خبر تجمع اعتراض آمیز دختران دانش آموز شین آباد در تهران و در مقابل دفتر روحانی را منتشر کرد. بر اساس این خبر، آمنه راک، که یکی از قربانیان آن فاجعه است دلیل این تجمع را «عدم رسیدگی و عدم پاسخ دهی مسئولان... نصف شدن دیه... عدم پرداخت مستمري» عنوان کرد. در حالی که زخمهای آن فاجعه هنوز بر پیکر جامعه و بر جان و روان قربانیان آن و خانواده های شان باقی مانده، خبر غیر استاندارد بودن یک سوم مدارس ایران که به معنی وجود امکان بالقوه برای تکرار "شین آباد" دیگر است منتشر می شود.

روز جهانی مبارزه علیه اعدام؛ روز نه به جمهوری اسلامی، نه به فاشیسم مذهبی

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۹ مهر

بنابه گزارش سازمان عفو بین الملل، ۱۴۰ کشور جهان مجازات اعدام را یا به طور کلی حذف کرده اند و یا آن را اعمال نمی کنند. از میان ۵۸ کشور دیگر نیز بسیاری مجازات اعدام را تنها در مواقع استثنایی و برای جرمهای سنگین به اجرا در می آورند. طبق تازه ترین گزارش آقای احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، دستکم ۸۲۵ نفر تنها در یکسال گذشته به جوخه های مرگ رژیم سپرده شده اند، این انتقام گیری خونین و جنایتکارانه که رژیم مستبد و مذهبی ملاها در آن پیشینه ننگین سی و پنج ساله دارد، از گنداب کدام تفکر تغذیه می کند؟

پاسخ بدین سوال در روند اوج گیری این جنایت یافت می شود. حکومت اسلامیستی جمهوری اسلامی همانند هم مرامان داعشی خود از مجازات اعدام و قتل و کشتار برای ایجاد ترس و وحشت در میان مردم استفاده می کند تا بدین وسیله از جایگاه قدرت و امکان چنگ اندازی بر ثروت مردم حراست کند.

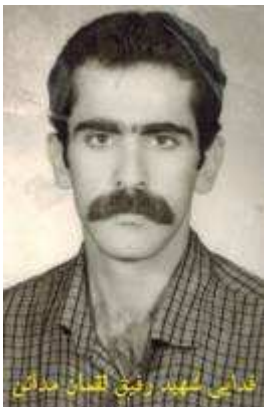
هراس رژیم از خشم و شعله گرفتن آتش دل‌های سوخته میلیون‌ها ایرانی است که عزیزان خود را نه تنها در مجازات اعدام، چه به صورت اعدام‌های دستجمعی، اعدام در ملاعام و غیره، بلکه در جنگ، ترورهای دولتی، ریختن خون معترضین و... صدها نمونه دیگر از دست داده اند و در عوض همه نابسامانیهای اقتصادی و اجتماعی نصیب شان شده.

رژیم ملاها ادعا می کند که برای حفظ امنیت و سلامت جامعه دست به اعدام‌های انبوه می زند. این در حالیست که مردم شاهد عکس این ادعا هستند.

طبق بررسیها و مطالعات انجام شده در سراسر دنیا، افزایش نرخ جرم و جنایت در جامعه ریشه در نابسامانیهای اقتصادی و نبود عدالت اجتماعی دارد. با مجازات اعدام ارتکاب به جرم کاهش پیدا نکرده، بلکه افزوده شده است. در آمریکا که اعدام را نه به منظور اعمال قدرت، بلکه به خاطر این باور منسوخ که از جرم و جنایت می کاهد اجرا می کند، ثابت شده که در ایالت‌هایی که این حکم را اجرا کرده اند، آمار جرایم افزایش داشته است. از این رو با تکیه بر این بررسیها بتدریج این حکم از قوانین یکایک ایالتها حذف می شود؛ همانطور که بیش از دو سوم کشورهای جهان هم این مجازات بی رحمانه و جنایتکارانه را حذف کرده اند.

همچنان که در روندی جهانی بسیاری از کشورها مجازات اعدام را از قوانین خود حذف می کنند، ماشین اعدام جمهوری اسلامی سرعت گرفته است. بدون شک آمارهای واقعی بیش از تعدادی است که آقای شهید در گزارش خود ارائه داده است.

مجازات اعدام، قتل عمد دولتی و سازمان یافته است. انسانهای آگاه و بشردوست در سراسر جهان تا ممنوعیت کامل مجازات اعدام مبارزه خواهند کرد.



شهدای فدایی در آبان ماه

رفقای فدایی: سیروس سپهری - شاهرخ هدایتی - محمدرضا چمنی - علی دبیری فرد - رحیم خدادادی - عثمان کریمی - هادی اشکانی - لقمان مدائن - محمد سلیمانی (اصغر) - محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم دژآگاه - مهران محمدی - مجید شریفی - همایون - حجت - عزت الله بهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه - مرتضی فخر طباطبایی - فرهاد سپهری - عبدالله فیض الله بیگی - عمر صالحی - حسین مدیر شانه چی - محمد حسین خادمی از سال ۵۰ تا کنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیم‌های شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

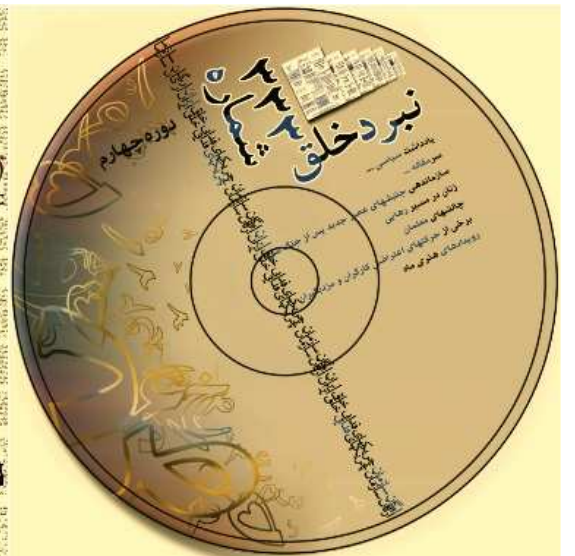
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 352 23 October 2014

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com
www.radiopishgam.com
www.fadaian.org